



روزه مجوعه سوالاتی در احکام آن

اثر شیخ علامه
محمد بن صالح العثيمين
الله متعال او والدینش و همه مسلمانان را
بیامرزد

Sponsored by

مؤسسة سليمان بن عبدالعزيز الراجحي الخيرية
Sulaiman Bin Abdulaziz Al Rajhi Charitable Foundation



پیش در آمد

ستایش از آن الله است، حمد او را می گوئیم و از او یاری و آمرزش می خواهیم، و از بدی های نفس خویش و کارهای ناشایست خود به الله پناه می بریم، آنکه الله هدایتش کند گمراهگری نخواهد داشت، و آنکه گمراهش کند هدایتگری نخواهد یافت، و گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله که یگانه و بی شریک است، و گواهی می دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست، که الله او را با هدایت و دین حق فرستاد، پس رسالت را تبلیغ نمود، و امانت را ادا کرد، و برای امت خیرخواهی کرد، و در راه الله چنان که شایسته است جهاد نمود تا آنکه وفاتشان سر رسید، پس درود و سلام بسیار الله بر او، و بر آل و اصحابش و همه کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند.

اما بعد. آنچه پیش رو دارید مجموعه سوالاتی است درباره روزه و احکام آن. تعداد این پرسش ها هفتاد پرسش است شیخ ما علامه محمد بن صالح العثیمین - رحمه الله تعالی - به آن پاسخ داده است.

برای اجرای قواعد و توصیه هایی که جناب ایشان برای انتشار میراث علمی شان کرده اند و در راه فراگیری سود آن، این ماده علمی برای چاپ و نشر آماده سازی شده است.

از الله تعالی خواهانیم که این کار را خالصانه برای خود و در راه خشنودی اش و سود بندگان قرار دهد،

و شیخ ما را برای اسلام و مسلمانان جزای خیر عطا کند، و پاداش او را
چند برابر گرداند، و درجاتش را در هدایت یافتگان بالا گرداند. او شنوا و
نزدیک است.

و درود و سلام و برکات الله بر بنده و پیامبرش، خاتم انبیا و امام متقیان
و سرور پیشینیان و آیندگان، پیامبر ما محمد، و بر آل و اصحاب او و
کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند.

کمیسیون علمی

موسسه خیریه شیخ محمد بن صالح العثیمین

۱۴۲۵/۸/۲۷ هجری قمری

*



بسم الله الرحمن الرحيم

سوال (۱): به مناسب فرا رسیدن ماه رمضان مبارک، موسم عبادات و طاعات، بسیار نیک است اگر به این مناسبت توصیه هایی را برای مسلمانان مطرح کنید، و درباره آنچه این ماه باید در درون آنها به جنبش آورد سخنی بگویید.

پاسخ (۱): سخنی که خطاب به مسلمانان می گویم این است که این ماه سه نوع عبادت گرامی را در خود دارد: زکات و روزه و قیام.

زکات، چون غالب مردم یا بسیاری از آنان زکاتشان را در این ماه می دهند،

واجب آن است که فرد زکاتش را با امانتداری و با این احساس که این عبادت و فریضه ای از فرایض اسلام است بدهد، و با آن قرب پروردگار را بخواهد، و رکنی از ارکان اسلام را ادا کند، نه آنطور که شیطان در تصور انسان می گنجاند و او را به صورت یک بدهکار نشان می دهد، آنطور که الله متعال او را توصیف کرده است:

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ...﴾ [البقرة: ۲۶۸].

{شیطان، شما را [به هنگام انفاق میترساند و] وعده فقر [و تنگدستی] می دهد و شما را به زشتی ها [= ارتکاب گناه] امر می کند} [بقره: ۲۶۸].

بلکه این زکات، غنیمت است، زیرا الله تعالی می فرماید:



﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ ۗ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾
[سورة البقرة: ۲۶۱]

{مثل کسانی که اموال خود را در راه الله انفاق می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه یکصد دانه باشد، و الله برای هر کس که بخواهد چند برابر می کند و الله گشایشگر داناست} [بقره: ۲۶۱].

و الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلَّ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [سورة البقرة: ۲۶۵]

{و مثل کسانی که اموال خود را در طلب رضایت الله و به خاطر باوری که در دل هایشان [به پاداش الله] دارند انفاق می کنند، همچون بوستانی بر تپه ای است که رگباری بر آن ببارد و میوه هایش را دوچندان به بار آورد؛ و اگر رگباری هم به آن نرسد، باران سبک [نیز زمین پاکش را پرثمر می سازد]؛ و الله از آنچه می کنید آگاه است} [بقره: ۲۶۵].

سپس او باید زکاتش را در هر کم و زیادی که زکات بر آن واجب است خارج سازد، و خود را به دقت محاسبه کند، و چیزی از آنچه زکات بر آن واجب است را رها نکند و زکاتش را بدهد؛

برای آنکه عهده اش را پاک سازد، و از این وعید شدید الهی رها سازد:

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [سورة آل عمران: ۷۵]

{و کسانی که به آنچه الله از فضل خویش به آنان داده است بخل می ورزند، گمان نکنند که آن [بخل] برایشان خیر است؛ بلکه برایشان شر است. در روز قیامت، آنچه به آن بخل می ورزیدند، طوق گردنشان خواهد شد [و با آن عذاب می شوند]؛ و میراث آسمان ها و زمین از آن الله است و الله به آنچه می کنید آگاه است} [آل عمران: ۱۸۰].

و می فرماید:

﴿....وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۚ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ ۚ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ۚ﴾ [سورة التوبة: ۳۴-۳۵].

{و کسانی که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه الله انفاق نمی کنند، آنان را به عذابی دردناک بشارت بده. روزی که آن [گنجینه ها] را در آتش دوزخ سرخ کنند، و پیشانی و پهلوی و پشتشان را با آن داغ نهند [و بگویند]: این است آنچه برای خویش می اندوختید؛ پس بچشید آنچه را که می اندوختید} [توبه: ۳۴-۳۵].

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در تفسیر آیه نخست می فرماید: «آنکه الله به او مالی داده و او زکاتش را ادا نکند، روز قیامت [زکاتی که نداده] در شکل افعی بی مویی بر او آشکار می شود، که دو خال سیاه بالای چشمانش دارد و او را با دو سوی دهانش می گیرد و می گوید: من مال تو ام، من گنج تو ام». اما آیه دوم را پیامبر - صلی الله علیه وسلم - اینگونه تفسیر کرده اند: «هر صاحب طلا و نقره ای که زکات آن را ندهد، روز قیامت طلا و نقره اش به ورق هایی از آتش تبدیل می شود و این ورق ها را در آتش دوزخ، داغ می کنند و سپس با آن پهلوها، پیشانی و پشت آن شخص را داغ می نهند و هر بار که این ورق ها سرد شود، دوباره داغ می گردد و این عذاب برای آن شخص در روزی که مقدارش به اندازه پنجاه هزار سال است، ادامه دارد تا آن که در میان بندگان، حکم می شود و سپس مسیر آن فرد به سوی بهشت یا به سوی دوزخ، مشخص می گردد».

و باید آن را به مستحقش بدهد نه به عنوان عادت، و نه به عنوان یک بدهکار، و نباید با انداختن واجبی دیگر، زکاتش را بدهد (یعنی مثلاً زکاتش را به کسی بدهد که نفقه اش بر عهده اوست تا با واجب زکات، واجبی دیگر را از سر خود بیندازد) تا آنکه زکاتش، پذیرفته شده باشد.

اما امر دومی که مسلمانان در این ماه انجام می دهند، روزه رمضان است که یکی از ارکان اسلام است، و فایده روزه همان چیزی است که الله تعالی اینگونه ذکر فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

{ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما واجب شده است همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید} [بقره: ۱۸۳].

، بنابراین، فایده حقیقی روزه تقوای الله عزوجل با گردن نهادن به اوامرش، و دوری از آنچه نهی کرده است، پس انسان باید آنچه الله بر او واجب ساخته از طهارت و نماز را انجام دهد، و از آنچه الله از دروغ و غیب و فریبکاری و کوتاهی در واجب که بر او حرام ساخته اجتناب ورزد، پیامبر علیه الصلاة والسلام می فرماید: «کسی که سخن ناحق و عمل به آن و جهل را ترک نکند، الله [نیز] نیازی به این ندارد که او غذا و آبش را ترک کند». باعث تأسف است که بسیاری از روزه داران این ماه را روزه می شوند، و تفاوتی میان روزه‌های روزه آنها و روزهایی که روزه نیستند نمی بینی، می بینی که شخص به همان سهل انگاری در انجام واجب یا ارتکاب حرام ادامه می دهد، که این باعث تأسف است، اما مؤمن عاقل کسی است که روزه‌های روزه و روزه‌های افطارش را یکی قرار نمی دهد، بلکه در روزهایی که روزه است تقوای بیشتر پیشه می سازد و طاعت بیشتر انجام می دهد. اما مسئله سوم، قیام است. قیام رمضان که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به آن تشویق نموده و فرموده است: «هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن به نماز ایستد، گناهان گذشته اش بخشیده می شوند». و قیام رمضان شامل نماز مستحب در شب های آن است. و نماز معروف تراویح نیز بی شک از قیام رمضان است، برای همین شایسته انسان است که به آن توجه نشان دهد و محافظتش کند، و تلاش کند این قیام را همراه امام انجام دهد تا آنکه نماز امام به پایان برسد؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «آنکه همراه امام به قیام ایستد تا آنکه [امام از نماز] منصرف شود [و نمازش به پایان برسد] برایش قیام یک شب [کامل] نوشته می شود».

و بر امامانی که برای مردم نماز تراویح می خوانند واجب است که در مورد کسانی که خداوند امامت آنان را بر عهده او نهاده تقوای الله را رعایت کنند، و تراویح را با آرامش و تأنی ادا کنند؛ تا کسانی که پشت سر آنها هستند بتوانند واجبات و مستحبات را به قدر امکان به جا آورند.

اما کاری که امروزه بسیاری از مردم انجام می دهند و می بینی یکی چنان در ادای نماز تراویح شتاب می ورزد که باعث اخلال در آرامش می شود، حال آنکه آرام گرفتن (طمأنینه) از ارکان نماز است، و نماز بدون آن درست نیست، بنابراین، چنین کاری حرام است:

زیرا اولاً: آنان طمأنینه را ترک کرده اند.

و ثانیاً: حتی اگر فرض بگیریم که طمأنینه را ترک نمی کنند، باعث خستگی کسانی می شوند که پشت سرشان نماز می گزارند، و باعث می شوند نتوانند واجب را انجام دهند، برای همین شخصی که برای مردم نماز می گزارد (پیشنماز است) با کسی که برای خودش نماز می خواند متفاوت است، و باید حال مردم را رعایت کند به طوری که درباره آنان امانتداری کند، و نماز را به وجه مطلوب به جا آورد.

علما بیان کرده اند که اگر امام چنان سریع نماز بگزارد که مأموم نتواند مستحبات را انجام دهد، این کارش مکروه است، چه رسد به سرعتی که مانع از انجام واجب توسط مأموم شود؟!

المهم: نصیحتی که اول به خودم و سپس به برادران مسلمان تقدیم می کنم: بازگشت به الله عزوجل، و توبه به درگاه او، و انجام قیام به قدر توان در رمضان و دیگر ماه هاست.

سوال (۲): بعضی از جوانان - الله هدایتشان کند - در رمضان و دیگر ماه ها درباره نماز تنبلی می کنند، اما بر روزه رمضان محافظت می کنند، و تشنگی و گرسنگی را تحمل می کنند. نصیحت شما به آنان چیست؟ و حکم روزه آنان چیست؟

پاسخ (۲): نصیحت من به آنان این است که به خوبی به کارشان فکر کنند، و بدانند که نماز پس از شهادتین مهمترین رکن اسلام است، و کسی که نماز نخواند و نمازش را از روی سهل انگاری ترک کند، بنابر قول راجح نزد من که ادله کتاب و سنت دال بر آن است، کافر است، کفری خارج کننده از اسلام، بنابراین وی مرتد است، پس قضیه هرگز ساده نیست؛ زیرا کسی که از اسلام برگردد نه روزه اش و نه صدقه اش و نه هیچ عمل دیگری از او پذیرفته نمی شود، زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ﴾
[سورة التوبة: ٩٠-٩١]

{و هیچ چیز مانع قبول انفاق هایشان نشد، جز اینکه آنان به الله و پیامبرش کفر ورزیدند و جز با سستی نماز نمی گزارند و جز به کراهت [و بی میلی] انفاق نمی کنند} [توبه: ۵۴].

الله تعالی بیان نموده که انفاق آنان - هرچند سودش به دیگری می رسد - از خود آنان به سبب کفرشان پذیرفته نمی شود، الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾ [الفرقان: ٢٣]

{و به [بررسی] کارهایشان می پردازیم و همه را [همچون] غباری پراکنده می سازیم} [فرقان: ٢٣].

و اینهایی که روزه می گیرند و نماز نمی خوانند، روزه شان پذیرفته نمی شود، بلکه اگر بگوییم که آنان کافرند، روزه شان هم مردود است. چنانکه کتاب الله و سنت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - دال بر این است. بنابراین نصیحت من این است که تقوای الله عزوجل را پیشه سازند، و بر نمازشان محافظت نمایند، و آن را در وقتش و همراه با جماعت مسلمانان انجام دهند، و من به آنان ضمانت می دهم که به حول الله اگر چنین کنند در رمضان و در غیر رمضان در دلشان به ادای نماز در اوقاتش همراه با جماعت مسلمانان راغب خواهند شد؛ زیرا انسان اگر به پروردگارش برگردد و به او روی آورد و توبه ای نصوح کند، چه بسا بعد از توبه انسان بهتری از قبل از توبه شود؛ چنانکه الله سبحانه و تعالی درباره آدم علیه الصلاة والسلام پس از آنکه از آن درخت خورد و آنچه پس از آن رخ داد، فرموده است:

﴿ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ﴾ [سورة طه: ١٢٢].

{سپس پروردگارش او را برگزید و توبه اش را پذیرفت و هدایتش کرد} [طه: ١٢٢].

*

سوال (٣): خوابیدن در طول ساعات روز حکمش چیست؟ و حکم روزه کسی که این مدت را می خوابد چیست؟ و اگر برای نمازها فرض بیدار شود و دوباره بخوابد حکمش چیست؟

پاسخ (۳): این پرسش دو حالت را در خود دارد: حالت نخست: شخصی که کل روز می خوابد و بیدار نمی شود. بدون شک این شخص در حق خودش مرتکب جنایت شده، و با ترک نماز در اوقاتش مرتکب معصیت الهی شده است، و اگر اهل جماعت باشد، علاوه بر آن مرتکب ترک جماعت هم شده که بر او حرام است، و باعث ناقص شدن روزه اش می شود، مثال او مانند کسی است که قصری ساخته و برای ساختن آن شهری را ویران کرده است. بنابراین لازم است که به درگاه الله عزوجل توبه کند، و نمازهایش را در وقت آن به همان شکلی که امر شده ادا کند. اما حالت دوم - یعنی حالت کسی که بیدار می شود، و نمازهای فرض را در وقتش و در جماعت ادا می کند - در این حالت او گناهکار نیست اما خود را از خیر بسیاری محروم کرده؛ زیرا برای روزه دار شایسته آن است که مشغول نماز و ذکر و دعا و قرائت قرآن باشد؛ تا آنکه چندین عبادت در روزه او یکجا شود، و انسان اگر در حال روزه خودش را به اعمال عبادی عادت دهد و تمرین کند، این کارها برایش آسان خواهد شد. و اگر خودش را به تنبلی و سستی و راحت طلبی عادت دهد، جز این به چیز دیگری نخواهد گرفت، و عبادات و اعمال در حال روزه برایش سخت می شود.

بنابراین نصیحت من به او این است که وقت روزه اش را در خواب نگذراند، و به انجام عبادت توجه ورزد، و الله متعال - الحمدلله - در این دوران چیزهایی برای روزه دار فراهم ساخته از جمله کولر و دیگر اسباب رفاه که روزه را برای او آسان می سازد و مشقت روزه را برمی دارد.

*

سوال (۴): بر اساس لغت و شرع، مقصود از روزه چیست؟

پاسخ (۴): صیام (روزه) در لغت به معنای امساک (خودداری) است، از جمله در این سخن حق تعالی که می فرماید:

﴿... إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا﴾ [سورة مريم: ۲۶].

{من برای [الله] رحمان روزه [ی سکوت] نذر کرده ام و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت} [مريم: ۲۶].
و از جمله این سخن شاعر که می گوید:

اسبی که روزه است (یعنی از حرکت ایستاده) و اسبی که روزه نیست (یعنی میل به هجوم دارد)

که زیر گرد و خاک است و دیگری (از فرط شوق) لجامش را می جود

اما در شرع به معنای دست نگه داشتن از مفطرات (باطل کننده های روزه) از طلوع دوم فجر (فجر صادق) تا غروب خورشید است.

*

سوال (۵): روزه بر چند نوع است؟

پاسخ (۵): روزه به دو نوع تقسیم می شود:

۱- نوعی که فرض است، و این فرض ممکن است بنابر یک سبب باشد مانند روزه کفاره و نذر، و ممکن است بدون سبب باشد، مانند روزه رمضان، زیرا این روزه در اصل شرع واجب شده، یعنی بدون سببی از سوی شخص مکلف.

۲- اما روزه غیر فرض که ممکن است معین باشد، و ممکن است مطلق باشد، مثال معین: روزه دوشنبه و پنجشنبه، و مثال روزه مطلق: روزه هر روز از ایام سال؛ اما باید در نظر گرفت که از مخصوص ساختن روز جمعه برای روزه نهی شده است، بنابراین جمعه روزه گرفته نمی شود مگر آنکه یک روز قبل یا بعدش به همراهش روزه شود، همینطور از روزه گرفتن روزهای عید - فطر و قربان - نهی شده است. همچنین روزه ایام تشریق مگر برای شخصی که در حال حج تمتع یا قران هدی (قربانی) نیابد که به جای آن سه روز از ایام تشریق را در حج روزه می شود.

*

سوال (۶): حکم روزه ماه رمضان چیست؟

پاسخ (۶): روزه ماه رمضان به نص کتاب و سنت و اجماع مسلمانان فرض است. الله تبارک و تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

{ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما واجب شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید} [بقره: ۱۸۳]

تا آنجا که می فرماید:

﴿.. شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...﴾ [البقرة: ۱۸۳-۱۸۵].

{ماه رمضان، [ماهی] است که قرآن در آن نازل شده است؛ [کتابی] که راهنمای مردم است و دلایل آشکاری از هدایت [با خود دارد] و جداکننده [حق از باطل] است. پس هر یک از شما [که مُقیم و سالم است و] این ماه را دریابد، باید آن را روزه بدارد} [بقره: ۱۸۳-۱۸۵].

و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «اسلام بر پنج [رکن] بنا شده است: گواهی دادن به اینکه معبودی [به حق] جز الله نیست، و اینکه محمد فرستاده الله است، و برپا داشتن نماز، و دادن زکات، و روزه ماه رمضان، و حج بیت الله الحرام». ایشان علیه الصلاة والسلام می فرماید: «چون آن (یعنی هلال ماه رمضان) را دیدید، روزه شوید». و مسلمانان اجماع کرده اند که روزه رمضان فرض است، و یکی از ارکان اسلام است، بنابراین هر کس فرض بودن آن را انکار کند کافر است، مگر آنکه در سرزمینی دور بزرگ شده باشد که احکام اسلام را در آنجا نمی دانند؛ در این صورت این را به او یاد می دهند، سپس اگر پس از اقامت حجت باز بر آن پافشاری کرد، کافر می شود. و کسی که از روی سهل انگاری - با اعتراف به وجوبش - آن را ترک کند، در معرض خطر است، زیرا برخی

از علما او را کافر و مرتد می دانند، اما قول راجح آن است که او کافر و مرتد نیست، بلکه فاسق است، اما در معرض خطر بزرگی است.

*

سوال (۷): جایگاه روزه در دین، و فضیلت آن در عبادات چیست؟

پاسخ (۷): جایگاه روزه در اسلام این است که یکی از ارکان بزرگ آن است که اسلام بدون آن برپا نمی گردد، و کامل نمی شود، اما درباره فضیلت آن در اسلام، از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت است که فرمودند: «هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن روزه بگیرد، گناهان گذشته اش بخشیده می شوند».

*

سوال (۸): حکم روزه خواری بدون عذر در روز رمضان چیست؟

پاسخ (۸): روزه خواری بدون عذر در روز رمضان از بزرگترین گناهان کبیره است، و انسان با این کار فاسق می شود، و بر او واجب است که توبه کند، و آن روزی که روزه خواری کرده را قضا کند، یعنی اگر روزه بود و در اثنای روزه بدون عذر روزه اش را خورد، باید قضای آن روزی که افطار کرده را به جا آورد؛ زیرا او با شروع روزه ملزم به آن شده و به عنوان فرض وارد روزه شده، بنابراین قضای آن بر او واجب است، مانند نذر. اما اگر از همان اول به عمد و بدون عذر روزه نگرفته، راجح آن است که قضا ندارد زیرا بهره ای از آن نمی برد، چونکه از او پذیرفته نمی شود، زیرا قاعده این است: هر عبادتی که موقت به وقت معینی باشد اگر بدون عذر از آن وقت به تاخیر افتد از صاحبش پذیرفته

نمی شود؛ و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «هر کس کاری کند که امر ما بر آن نیست پس آن کار مردود است»، و همچنین او از حدی از حدود خدا عبور کرده، و تعدی از حدود الهی ظلم است، و از ظالم پذیرفته نمی شود، الله تعالی می فرماید:

﴿... وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [سورة البقرة: ۲۲۹].

{و هر کس از حدود الله تجاوز کند، ستمکار است} [بقره: ۲۲۹].

و همینطور چون اگر این عبادت را زودتر از وقتش انجام می دهد - یعنی قبل از وارد شدن وقت - از او پذیرفته نمی شود، به همین صورت اگر آن را بعد از وقتش انجام دهد از او پذیرفته نمی شود مگر آنکه معذور باشد.

*

سوال (۹): آغاز ماه رمضان با چه چیزی ثابت می شود؟

پاسخ (۹): دخول ماه رمضان یا با رویت هلال ثابت می شود، و یا با کامل شدن سی روز شعبان؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «هرگاه آن را دیدید روزه شوید، و هر گاه آن را دیدید فطر کنید، پس اگر از شما پنهان ماند، تعداد سی روز شعبان را کامل نمایید».

*

سوال (۱۰): حکم کسی که به تنهایی هلال را ببیند، و مردم با او روزه نشوند چیست؟

پاسخ (۱۰): کسی که هلال را دیده باید آن را به محکمه شرعی ابلاغ کند، و شهادت دهد. و آغاز رمضان با شهادت یک نفر در صورتی که قاضی به او رضایت دهد و بر اساس شهادت او حکم دهد، ثابت می گردد. اما اگر شهادت او پذیرفته نشد، برخی از علما گفته اند که برای خود او لازم است که روزه شود؛ زیرا به یقین هلال را دیده است، و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «با دیدن آن روزه شوید» و این هم هلال را دیده است.

و برخی دیگر از علما گفته اند: ملزم نیست که روزه شود؛ زیرا روزه همان روزی است که مردم روزه می شوند، و فطر نیز همان روزی است که مردم فطر می کنند، و موافقت او با جماعت بهتر از انفراد و تکروی است.

برخی نیز تفصیل کرده و گفته اند: لازم است که پنهانی روزه شود؛ زیرا او هلال را دیده است، و باید پنهان باشد تا آنکه علنی با جماعت مخالفت نکرده باشد.

*

سوال (۱۱): ارکان روزه چیست؟

پاسخ (۱۱): روزه تنها یک رکن دارد، و آن دست نگه داشتن از مفطرات از هنگام طلوع فجر تا غروب خورشید به قصد عبادت الله است.

اینجا منظور از فجر، فجر دوم است نه فجر اول. فجر دوم با سه ویژگی از فجر دوم تشخیص داده می شود:

نخست: فجر دوم در افق پخش است (به شکل عرضی) و فجر دوم مستطیل شکل است، یعنی از مشرق به مغرب امتداد دارد، اما فجر دوم از شمال به جنوب ممتد است.

مشخصه دوم این است که پس از فجر دوم دیگر تاریکی نیست، بلکه نور آن پی در پی زیاد می شود تا آنکه خورشید طلوع کند، اما فجر اول پس از آنکه شعاعی از نور دارد، رو به تاریکی می رود.

مشخصه دوم: روشنی فجر دوم به افق متصل است، اما میان سفیدی فجر اول و افق تاریکی است.

و فجر اول از نظر شرعی حکمی ندارد، و نماز صبح با آن درست نیست، و غذا خوردن برای روزه دار با فجر اول حرام نمی شود، بر خلاف فجر دوم.

*

سوال (۱۲): روزه بر چه کسی واجب است؟

پاسخ (۱۲): روزه بر هر مسلمان بالغ عاقل مُقیم (غیر مسافر) که موانع روزه را ندارد، واجب است. بنابراین این شش وصف است. اما کافر، روزه و دیگر عبادات برایش واجب نیست، و معنای این سخن ما که «روزه بر او واجب نیست» یعنی در حال کفرش ملزم به روزه نیست، و پس از آنکه اسلام آورد نیز لازم نیست قضائش را به جا بیاورد؛ زیرا هیچ عبادتی در حال کفر از او پذیرفته نمی شود، زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ...﴾

[سورة التوبة: ٥٥]

{و هیچ چیز مانع قبول انفاق هایشان نشد، جز اینکه آنان به الله و پیامبرش کفر ورزیدند} [توبه: ٥٤].

و قضای عبادت پس از اسلام آوردن بر او لازم نیست؛ زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ...﴾

[سورة الأنفال: ٣٨].

{به کسانی که کفر ورزیده اند بگو اگر [از کفرشان] دست بکشند، آنچه گذشته است برایشان آمرزیده می شود} [انفال: ٣٨].

اما برای ترک واجبات در حال کفرش [اگر اسلام نیاورد در روز قیامت] مجازات می شود؛ زیرا الله تعالی درباره اصحاب یمین که از مجرمان [درباره سبب دوزخی شدن آنان] می پرسند نقل می کند که می گویند:

﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ (٤٦) ﴿قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ (٤٧) ﴿وَلَمْ نَكُ نَطْعُمْ﴾ (٤٨) ﴿وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ﴾ (٤٩) ﴿وَكُنَّا نُكَذِّبُ بَيَّوْمَ الدِّينِ﴾ (٥٠) ﴿حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ﴾ (٥١) ﴿[المدرثر: ٤٦-٤٩]﴾.

{چه چیز شما را در دوزخ در آورد؟ گفتند: ما از نمازگزاران نبودیم و بینوا را غذا نمی دادیم، و پیوسته همراه یاهو گویان [و اهل باطل]

همصدا می شدیم، و روز جزا را دروغ می انگاشتم، تا آنکه مرگ ما در رسید {مدثر: ۴۲-۴۷}.

اینجا ترک نماز و غذا ندادن به بینوا را از اسباب دوزخی شدن آنان ذکر نموده؛ و این نشان می دهد که این در دوزخی شدن آنان اثر داشته است.

بلکه کافر در برابر هر نعمتی از نعمت های الله که از آن بهره می برد از جمله غذا و آب و لباس مجازات می شود، زیر الله تعالی می فرماید:

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [سورة المائدة: ۹۳].

{بر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند گناهی در آنچه خورده اند نیست؛ [البته] در صورتی که [از محرّمات] پروا کنند و ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند؛ سپس پرهیزگاری کنند و ایمان بیاورند؛ آنگاه [بیش از پیش] پرهیزگاری کنند و نیکی نمایند؛ و الله نیکوکاران را دوست دارد}[مائده: ۹۳].

اینجا نفی گناه از مؤمنان در آنچه خورده اند دال بر ثبوت گناه بر غیر مؤمنان در آنچه خورده اند است، و همچنین به دلیل این سخن حق تعالی که:

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [سورة الأعراف: ٣٢].

{بگو: لباس [و زینت هایی] را که الله برای بندگان پدید آورده و [همچنین] روزی های پاکیزه را چه کسی حرام کرده است؟. بگو: این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [و اگر چه کافران نیز از آنها بهره مندند،] روز قیامت، مخصوص [مؤمنان] خواهد بود. ما این چنین آیات [خود] را برای گروهی که می دانند، به تفصیل بیان می کنیم} [اعراف: ۳۲].

این سخن حق تعالی که {این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [و اگر چه کافران نیز از آنها بهره مندند،] روز قیامت، مخصوص [مؤمنان] خواهد بود} یعنی حکم درباره غیر مؤمنان با حکم مؤمنان متفاوت است.

اما اگر در اثنای رمضان مسلمان شد لازم نیست که قضای روزه های پیش از اسلامش را به جا بیاورد. یعنی مثلا اگر در شب پانزدهم اسلام آورد، قضای چهارده روز اول برای او لازم نیست، و اگر در اثنای روز اسلام آورد لازم است که بقیه روز را امساک کند [و از مفطرات دوری کند] اما قضایش بر او لازم نیست، یعنی مثلا اگر هنگام زوال خورشید اسلام آورد به او می گوئیم بقیه روزت را امساک کن، و قضای آن روز بر تو واجب نیست. او را به امساک امر می کنیم؛ چون [با اسلام آوردن] اهل وجوب شده، اما به قضای آن روز امرش نمی کنیم؛ زیرا او آنچه را بر عهده اش بوده انجام داده، یعنی وقتی اسلام آورده امساک کرده، و هر کس

آنچه واجب است را انجام دهد مکلف نمی شود که آن عبادت را دوباره انجام دهد.

عقل، دومین وصف وجوب است، زیرا با عقل است که تمییز حاصل می شود؛ منظور، تمییز بین اشیاست، بنابراین اگر انسان عاقل نباشد روزه ای بر او نیست، چنانکه هیچ یک از دیگر عبادتها بر او واجب نیست، به جز زکات.

از همین نوع - یعنی از جمله کسانی که عقل ندارند - انسانی است که به سنی برسد که دیگر قدرت تمییز نداشته باشد، و این همان چیزی است که عامه آن را هنر (بیهوده گفتن) می گویند. کسی که خرف شده و هذیان می گوید روزه بر او لازم نیست، و لازم نیست که به جای روزه اش غذا داده شود؛ زیرا او از اهل وجوب نیست.

اما وصف سوم، بلوغ است و بلوغ با یکی از این سه حاصل می شود:

- یا آنکه انسان پانزده سالش را کامل کند.

- یا آنکه موی عانه اش رشد کند، و آن مویی است کلفت در محل شرمگاه.

- یا آنکه منی از او با لذت خارج شود، چه در خواب باشد یا در بیداری.

در مورد زنان مورد چهارمی نیز هست و آن حیض است، پس چون زن حیض (پریود) شود بالغ شده است.

بر این اساس، کسی که پانزده سالش کامل شود - مرد باشد یا زن - بالغ شده است، و کسی که موی عانه اش بیرون بیاید - حتی قبل از پانزده سالگی - مرد باشد یا زن، بالغ شده است، و کسی که منی او با لذت خارج شود - مرد باشد یا زن - اگرچه پانزده سالش نباشد بالغ شده است، و دختری که پریود شود - حتی قبل از پانزده سالگی - بالغ شده است، و ممکن است دختر در سن ده سالگی هم حیض شود. اینجا باید به مسئله ای اشاره کنیم که بسیاری از مردم از آن غافل هستند؛ اینکه بعضی از زنان زودتر حیض می شوند، و نمی دانند که روزه و دیگر عباداتی که به بلوغ وابسته است برای آنان واجب شده است؛ زیرا برخی گمان می کنند که بلوغ فقط با کامل شدن پانزده سال رخ می دهد، اما این گمانی است بی اساس. پس انسان اگر بالغ نباشد روزه بر او واجب نیست، اما علما ذکر کرده اند که ولی او مسئول است که کودک تحت ولایتش را - دختر یا پسر - امر کند که روزه شود؛ تا به این صورت او را عادت دهد تا به آن خو بگیرد و پس از بلوغ برایش آسان شود، و این کاری است که صحابه - رضی الله عنهم - انجامش می دادند. آنان فرزندان کم سن و سال خود را روزه می دادند تا جایی که اگر یکی از آنان گریه می کرد به او عروسی پشمی می دادند تا با آن بازی کنند، تا آنکه خورشید غروب می کرد.

اما وصف چهارم این است که انسان توانایی روزه را داشته باشد، یعنی بتواند بدون مشقت روزه شود، اما اگر توانایی اش را نداشته باشد روزه ای بر او نیست اما ناتوان بر دو نوع است:

نوع اول: کسی که ناتوانی اش از روزه داری مستمر است [و امید به برطرف شدنش نیست] مانند پیر و بیماری که امید به درمانش نیست؛ چنین کسی به جای هر روز به یک مسکین غذا می دهد، یعنی اگر ماه سی روز باشد به سی بینوا غذا می دهد.

و غذا دادن دو روش دارد:

کیفیت نخست: اینکه برنج یا گندمی به اندازه ربع صاع - بنابر صاع پیامبر صلی الله علیه وسلم - یعنی پنج صاع بر اساس صاعی که اینجا مشهور است خارج سازد، و صاع نبوی برابر با دو کیلو و چهل گرم از گندم باکیفیت است، یعنی اگر بر اساس گندم خوب وزن کنی به دو کیلو و چهل گرم برسد، این صاع بر اساس صاع پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است و صاع بر اساس صاع پیامبر، چهار مد است؛ که برای چهار بینوا کافی است، و در این حالت خوب است که - اگر آن را به فقیر دادی - همراهش چیزی به عنوان خورش از گوشت یا غیر آن، به طوری که مناسب حال و عرف باشد بدهی.

اما کیفیت دوم غذا دادن این است که به اندازه سی مسکین یا بیست و نه مسکین - بر حسب تعداد روزهای ماه رمضان - غذا تهیه کند، و آنها را به غذا دعوت کند؛ چنانکه این از انس بن مالک - رضی الله عنه - در هنگامی پیری اش نقل شده است.

و جایز نیست که به یک مسکین به اندازه ای که برای سی نفر یا بیست و نه نفر غذا دهد؛ زیرا لازم است که برای هر روز به یک مسکین غذا دهد.

اما نوع دوم ناتوانی آن ناتوانی است که امید به زوال آن است، یعنی ناتوانی موقت مانند بیماری در اثنای رمضان که باعث شود روزه برای او دشوار شود. در این حالت به او می گوئیم روزه نگیر، و یک روز را به جایش قضا کن. به دلیل آنکه الله تعالی می فرماید:

﴿... وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ...﴾
[سورة البقرة: ۱۸۵].

{و کسی که بیمار یا مسافر بود تعدادی از روزهای دیگر را [به جایش روزه می شود]} [بقره: ۱۸۵].

اما وصف پنجم آن است که مقیم باشد، و ضد مقیم آن است که مسافر باشد. برای مسافر - یعنی کسی که از وطنش جدا شده - روزه لازم نیست؛ زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿... وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ...﴾
[سورة البقرة: ۱۸۵].

{و کسی که بیمار یا مسافر بود تعدادی از روزهای دیگر را [به جایش روزه می شود]} [بقره: ۱۸۵].

اما بهتر آن است که روزه شود، مگر آنکه برایش دشوار باشد؛ در این حالت (در صورت مشقت) بهتر آن است که روزه نشود؛ به دلیل سخن ابودرداء - رضی الله عنه - که می فرماید:

ما در روزی بسیار گرم در رمضان به همراه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بودیم، و در میان ما کسی جز رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و عبدالله بن رواحه کسی روزه نبود.

اما اگر روزه برایش دشوار بود باید افطار کند، زیرا به خدمت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شکایت آوردند که روزه برای مردم دشوار شده [یعنی

در حین سفر] پس ایشان روزه خود را افطار کردند، سپس به ایشان گفته شد که بعضی از مردم روزه اند. پس ایشان فرمودند: «آنان عاصیان هستند، آنان عاصیان هستند». اما وصف ششم این است که خالی از موانع باشد، یعنی موانع وجوب در وی نباشد، و این خاص به زنان است، چون برای وجوب ادای روزه شرط است که زن در حال حیض (پریود) یا نفاس (خون ریزی پس از زایمان) نباشد، اما اگر در حالت حیض یا نفاس باشد روزه بر او لازم نیست، بلکه به جای روزهایی که روزه نبوده [بعداً] قضایش را به جا می آورد؛ زیرا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «آیا چنین نیست که اگر حیض شود نماز نمی گزارد، و روزه نمی شود؟» پس اگر زن حیض شد روزه ای بر او نیست، و قضایش را در روزهایی دیگر به جا می آورد.

اینجا دو مسئله هست که باید به آن دقت کرد:

مسئله نخست: برخی از زنان در پایان شب پاک می شوند، و می دانند که پاک شده اند اما آن روز را روزه نمی گیرند؛ به این گمان که اگر غسل نکند روزه اش صحیح نیست، اما چنین نیست بلکه روزه اش درست است حتی اگر بعد از طلوع فجر غسل کند.

اما مسئله دوم این است که مثلاً زنی روزه است اما چون خورشید غروب کرد و افطار کرد، حیضش پیش از آنکه نماز مغرب را ادا کند می آید، اینجا بعضی از زنان می گویند که اگر حیضش بعد از افطار و پیش از نماز مغرب بیاید، روزه آن روزش فاسد شده است. همینطور بعضی از زنان مبالغه کرده می گویند: اگر حیضش پیش از نماز عشاء بیاید روزه آن روزش فاسد است. اما هیچ یک از اینها درست نیست، زیرا زن اگر خورشید غروب کرد و خروج حیض را ندید، روزه اش صحیح است، حتی

اگر خون یک لحظه بعد از غروب خورشید بیرون بیاید هم روزه اش درست است.

این شش وصف بود، که اگر در کسی یکجا شود ادای روزه رمضان بر او واجب می شود، و روزه نگرفتن برایش حلال نیست، و اگر یکی از آنها نباشد، بر اساس تفصیلی که بیان کردیم عمل می کند.

*

سوال (۱۳): بعضی از جوانان گمان می کنند که سن تکلیف شانزده سالگی است، و شاید قبل از این سن به بلوغ برسند اما روزه نمی گیرند. چه چیزی بر آنان لازم است؟ و آیا باید سالهای قبل را قضا کنند؟

پاسخ (۱۳): بله، این چیزی که پرسیده شده بسیار رخ می دهد، به ویژه در میان زنان. گاه عادت ماهیانه آنان در سنی زودهنگام شروع می شود، و بلوغ فقط به سن خاصی مربوط نیست، بلکه بلوغ ممکن است با مواردی جز سن رخ دهد، یعنی روییدن مو در منطقه عانه (شرمگاه) و خروج منی به اضافه کامل شدن پانزده سال، و برای زنان مورد چهارم نیز افزوده می شود، یعنی حیض. بر این اساس، اگر انسان به بلوغ رسید واجب است که روزه ای که پس از بلوغ ترک کرده را قضا کند. بیشتر مردم در این مدت نماز می خوانند و نماز را ترک نمی کنند، اما چیزی که اینجا [ترک] می شود روزه است؛ به طوری که زن وقتی با حیض به بلوغ رسید چون سن کمی دارد شرمش می آید که به خانواده اش بگوید، و گاه می بینی که روزه نمی گیرد و گاه در وقت حیض روزه می گیرد. در هر دو حالت باید قضایش را به جا بیاورد و اگر روزه نشده واجب است که قضای یک ماه کامل را به جا بیاورد، و اگر حتی در ایام حیض روزه می شده واجب است که قضای ایام حیض را به جا بیاورد.

سوال (۱۴): حکم روزه تارک نماز چیست؟

پاسخ (۱۴): روزه تارک نماز درست نیست و از او پذیرفته نمی شود؛ زیرا تارک نماز کافر و مرتد است؛ به دلیل این سخن حق تعالی:

﴿ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴾ [سورة التوبة: ۱۱].

{پس [با این حال،] اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، برادران دینی شما [مسلمانان] هستند؛ و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند، به تفصیل بیان می کنیم} [توبه: ۱۱].

و به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم: «میان شخص و شرک و کفر، ترک نماز است»، و این حدیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که می فرماید: «پیمان میان ما و آنها نماز است، پس کسی که آن را ترک می نماید به تحقیق کافر شده است». و به دلیل آنکه این سخن عموم صحابه است، اگر اجماع آنان نباشد، عبدالله بن شقیق - رحمه الله - که از تابعیان مشهور است می گوید: «اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ترک چیزی از اعمال را کفر نمی دانستند، مگر نماز». بر این اساس، اگر انسان روزه بگیرد در حالی که نماز نمی خواند، روزه اش مردود است و پذیرفته نمی شود، و نزد الله در روز قیامت برای او سودی نخواهد داشت، و ما به او می گوییم: نماز بخوان، سپس روزه بگیرد، اما اینکه روزه بگیری ولی نماز نخوانی، این روزه ات مردود است؛ زیرا عبادت از کافر پذیرفته نمی شود.

سوال (۱۵): حکم کسی که در رمضان روزه می گیرد و نماز می خواند، ولی چون رمضان به پایان برسد دست از نماز می کشد چیست؟

پاسخ (۱۵): آنچه از ادله برمی آید این است که ترک نماز کفر نیست مگر در صورتی که انسان آن را به طور مطلق (کاملاً) ترک کند، اما کسی که گاه نماز می خواند و گاه نمی خواند، آنچه برای من بر اساس ادله آشکار شده این است که به سبب آن کافر نمی شود؛ به دلیل این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم: «پیمان میان ما و آنها نماز است، پس کسی که آن را ترک می نماید به تحقیق کافر شده است»، و این حدیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که می فرماید: «میان شخص و شرک و کفر، ترک نماز است»، اما این شخصی که تنها در رمضان نماز می خواند و در رمضان روزه می گیرد، من در ایمانش شک دارم؛ زیرا اگر واقعاً مؤمن بود، در رمضان و غیر رمضان روزه می گرفت، اما اینکه پروردگارش را تنها در رمضان می شناسد، من در ایمان او شک دارم، اما به کفرش حکم نمی دهم، بلکه درباره او توقف می کنم و امرش به الله عزوجل موکول است.

سوال (۱۶): حکم کسی که چند روز روزه می گیرد، و چند روز دیگر روزه نمی شود چیست؟

پاسخ (۱۶): پاسخ این سوال را می تواند از پاسخ قبلی فهمید، به این صورت که این شخصی که یک روز روزه می گیرد، و روز دیگر ترکش می کند، از اسلام خارج نمی شود، اما فاسق می شود؛ زیرا این فریضه بزرگ را که یکی از ارکان اسلام است ترک کرده است، و قضای

روزهایی که روزه نشده را به جا نمی آورد، زیرا قضایش به او سودی نمی رساند چون از او پذیرفته نمی شود؛ و این بر اساس سخنی است که قبلاً به آن اشاره کردیم که اگر انسان عبادت وقت دار را بدون عذر از وقت معینش به تاخیر اندازد، دیگر از او پذیرفته نخواهد شد.

*

سوال (۱۷): اگر شخصی چند ماه رمضان را پس از بلوغش ترک کند، سپس به راه استقامت و دینداری درآید، آیا لازم است که قضای این ماه ها را به جا بیاورد؟

پاسخ (۱۷): قول راجح علما این است که قضای این ماه هایی که بدون عذر ترک کرده بر او لازم نیست؛ بر اساس آنچه گفته شد که عبادت وقت دار را اگر انسان از وقت معینش به تاخیر اندازد، [قضای آن] از او پذیرفته نمی شود مگر آنکه عذر داشته باشد، و قضای او سودی برایش ندارد. قبلاً دلیل آن را بر اساس کتاب و سنت و قیاس، بیان کردیم. بر این اساس، اگر انسان در آغاز جوانی اش نماز و روزه را ادا نمی کرده سپس الله بر او منت نهاده و هدایت شده و نماز و روزه را انجام داده، ملزم نیست که نماز و روزه ای که از دست داده را قضا کند، همینطور اگر نماز و زکاتش را ادا می کرده ولی روزه نمی گرفته و سپس توفیق هدایت یافته و روزه اش را ادا می کند، لازم نیست قضای آن روزه ها را انجام دهد؛ بر اساس تقریری که قبلاً بیان کردیم، و آن این است که عبادت وقت دار را اگر انسان بدون عذر از وقتش به تاخیر اندازد از او پذیرفته نمی شود، و اگر از او پذیرفته نشود، قضایش به او سودی نمی رساند.

*

سوال (۱۸): عذرهایی که روزه نگرفتن در ماه رمضان را مباح می کند چه هستند؟

پاسخ (۱۸): قبلا بر برخی از عذرهایی اشاره کردیم که افطار در رمضان را مباح می سازد، یعنی بیماری و سفر.

از دیگر عذرها این است که زن باردار باشد، و نسبت به سلامتی خودش یا جنینش، بیم داشته باشد.

و از دیگر عذرها این است که زن شیرده باشد، و نسبت به خودش یا نوزادش بیم داشته باشد.

همچنین در صورتی که انسان نیازمند روزه خواری باشد، مثلا برای نجات یک جان معصوم، مانند آنکه کسی را ببیند که در حال غرق شدن در دریاست، یا شخصی را ببیند که در محاصره آتش است و برای نجات او [و قوی شدن] نیازمند روزه خواری باشد. در این حالت او می تواند روزه اش را باز کند، و او را نجات دهد.

همچنین در صورتی که برای قوی شدن در جهاد نیاز به روزه خوردن داشته باشد. اینها از اسباب مباح شدن روزه خواری است؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در غزوه فتح مکه خطاب به یارانشان فرمود: «شما صبح بر دشمن خود وارد می شوید، و فطر باعث قوی تر شدن می شود، پس افطار کنید». پس اگر سبب مباح کننده روزه خواری بود، و انسان بر اساس آن روزه اش را خورد، لازم نیست که بقیه روز را امساک کند، یعنی اگر مقدر شد که برای نجات یک جان معصوم روزه اش را بخورد و او را نجات داد، به همان حال ادامه می دهد و مفطر می ماند؛ (یعنی بقیه

روز نیز می تواند بخورد و بنوشد) زیرا افطار او بنابر سببی بوده که روزه خوردن را مباح می سازد، بنابراین نیازی به امساک ندارد؛ زیرا حرمت آن روز با سببی که فطر را مباح می سازد زایل شده است. برای همین ما بر اساس قول راجح در این مسئله سخن می گوئیم: اینکه اگر بیماری در اثنای روز شفا یافت و تا قبل از آن روزه نبود، لازم نیست که امساک کند، و اگر مسافری در حالی که روزه نبود به شهرش رسید، لازم نیست که امساک کند، و اگر زنی حیض در اثنای روز حیضش به پایان رسید لازم نیست که امساک نماید؛ زیرا همه اینها برای یک سبب که افطار را مباح ساخته افطار کرده اند، پس گویا آن روز برای آنان دیگر حرمت ندارد؛ زیرا شرع برای آنان افطار آن روز را مباح ساخته، و اگر سبب مباح کننده فطر برطرف شد باز لازم نیست که امساک کنند.

*

سوال (۱۹): این حالت [که در سوال پیشین بیان شد] چه تفاوتی با حالت کسانی دارد که در وسط روز از شروع رمضان باخبر شده اند؟

پاسخ (۱۹): تفاوت بین این دو واضح است؛ زیرا اگر در اثنای روز دلیل [ورود رمضان] اقامه شود، لازم است که امساک کنند؛ زیرا آنان در آغاز روز بر اساس عذر (عذر جهل) روزه خواری کرده اند، برای همین اگر می دانستند که این روز از رمضان است، امساک بر آنان لازم است، اما گروه دیگری که [در سوال قبلی] به آن اشاره کردیم می دانستند که این روز جزو رمضان است، اما افطار برای آنان مباح بود، پس بین این دو تفاوت آشکار است.

*

سوال (۲۰): باطل کننده های روزه چیست؟

پاسخ (۲۰): باطل کننده های روزه همان مفطرات است یعنی: جماع، خوردن، نوشیدن، خارج شدن منی با شهوت، و هر آنچه در معنای خوردن و نوشیدن است، و استفراغ عمدی و حجامت و خارج شدن خون حیض و نفاس، اینها هشت باطل کننده روزه است.

اما خوردن و نوشیدن و جماع، دلیل آن این سخن حق تعالی است که:

﴿..... فَأَلَانَ بَاشِرُوهُمْ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...﴾ [سورة البقرة: ۱۸۷].

{پس اکنون [در شبهای رمضان می توانید] با آنان آمیزش کنید، و آنچه را الله برای شما مقرر داشته طلب کنید. و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح از رشته سیاه [شب] برای شما آشکار شود} [بقره: ۱۸۷].

اما خارج شدن منی با شهوت، دلیلش این سخن حق تعالی در حدیث قدسی درباره روزه دار است:

«غذایش و نوشیدنی اش و شهوتش را برای من ترک می کند»،

و خارج شدن منی با شهوت به دلیل سخن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - که می فرماید:

«و در همبستری یکی از شما صدقه است»، گفتند: یا رسول الله، آیا یکی از ما شهوتش را برآورده می سازد، و برایش در آن اجر است؟ فرمود: «نظرتان چیست اگر آن را در حرام قرار داده بود، آیا گناهکار نمی شد؟ همینطور اگر آن را در حلال قرار دهد، برایش پاداش است»،

و چیزی که اینجا (یعنی در جماع) خارج می شود منی جهنده است، برای همین قول راجح آن است که مذی باعث باطل شدن روزه نمی شود حتی اگر با شهوت باشد.

پنجم: آنچه در معنای خوردن و نوشیدن باشد، یعنی سرم های غذایی که باعث بی نیازی از خوردن و نوشیدن می شود، زیرا این اگرچه خوردن و نوشیدن نیست اما به معنای خوردن و نوشیدن است، به طوری که از این دو بی نیاز می کند، و هر آنچه در معنای یک چیز باشد حکم آن را دارد، برای همین بقای بدن در صورتی که با چیز دیگری تغذیه نکند به همین سرم وابسته است.

اما سرم هایی که مغذی نیست، و جایگزین خوردن و نوشیدن نیست، روزه را باطل نمی کند، چه از طریق رگ تزریق شود یا از طریق عضله یا هر جای دیگر بدن.

ششم: استفراغ عمدی: یعنی آنکه انسان به عمد تلاش کند آنچه در شکمش هست را خارج سازد تا آنکه از دهانش بیرون آید؛ به دلیل حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «هر آنکه به عمد استفراغ کرد، روزه اش را قضا کند، اما آنکه استفراغش بر او غالب شد (بدون اراده اش خارج شد) قضا ندارد». حکمتش این است که اگر به عمد استفراغ کند شکمش از غذا خالی می شود، و بدن نیازمند غذایی می

شود که این خلأ را جبران کند، برای همین می‌گوییم: اگر روزه فرض بود برای انسان جایز نیست که به عمد بالا بیاورد، زیرا اگر استفراغ کند به خودش زیان زده و روزه واجبش را باطل کرده است. اما هفتمین مورد، خارج شدن خون با حجامت است، به دلیل سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که: «حجامت کننده و حجامت شوند روزه شان باطل شده است». اما خارج شدن خون حیض و نفاس، بنابر سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که می‌فرماید: «آیا چنین نیست که اگر حیض شود نماز نمی‌گزارد، و روزه نمی‌شود؟»، و علما بر این اجماع کرده‌اند که روزه زنی که در حیض است صحیح نیست، و همانند او روزه زنی که در حال نفاس است.

این مفطرات - یعنی باطل کننده‌های روزه - باعث بطلان روزه نمی‌شوند مگر به سه شرط: علم، و یادآوری، و قصد. یعنی روزه روزه دار در صورت ارتکاب این باطل کننده‌ها باطل نمی‌شود مگر با این سه شرط:

اینکه به حکم شرعی عالم باشد، و به حال - یعنی به وقت - نیز آگاه باشد. اما اگر به حکم شرعی یا به وقت جاهل باشد روزه اش درست است؛ به دلیل این سخن حق تعالی که می‌فرماید:

﴿... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا...﴾ [البقرة: ۲۸۶].

{پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن} [بقره: ۲۸۶].

و الله تعالی در پاسخ فرمود: «چنین کردم»، و الله متعال می‌فرماید:

﴿.... وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ...﴾ [سورة الأحزاب: ٥].

{در مورد آنچه [قبلاً] اشتباه کرده اید، گناهی بر شما نیست؛ ولی آنچه دل‌هایتان قصد آن را دارد} [احزاب: ٥].

و به دلیل ثبوت سنت در این باره، زیرا در صحیح از حدیث عدی بن حاتم - رضی الله عنه - آمده که او روزه شد و زیر سرش دو عقال را به عنوان بالش نهاد - عقال طنابی است که با آن دستان شتر را می‌بندند - که یکی از این دو عقال سیاه بود و دومی سفید، و به خوردن و نوشیدن مشغول شد تا آنکه عقال سفید از سیاه برایش آشکار شد، سپس دست نگه داشت، پس چون صبح شد به نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - رفت و او را از این کارش آگاه کرد و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برایش توضیح داد که منظور از نخ سفید و سیاه (در آیه) نه این دو نخ مشهور و بلکه منظور از نخ سفید، سفیدی روز است و منظور از نخ سیاه، شب است، یعنی سیاهی شب. و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - او را به قضای روزه اش امر نکرد، زیرا او نسبت به حکم جاهل بود، و گمان می‌کرد که معنای آیه کریمه همین است. اما جهل به وقت، به دلیل حدیث اسماء بنت ابی بکر - رضی الله عنهما - که نزد بخاری آمده، آنجا که می‌گوید: در دوران رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در روزی ابری افطار کردیم، سپس خورشید [از پس ابر] بیرون آمد. و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آنان را به قضا امر نکرد، و اگر قضا واجب بود قطعاً آنان را امر به قضا می‌کرد، و اگر امر کرده بودند قطعاً این برای امت نقل می‌شد؛ به دلیل قول الله تعالی که می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ٩].

{همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم}
[حجر: ۹].

پس چون چنین چیزی نقل نشده - با وجود آنکه نیاز به نقل آن بوده - دانسته می شود که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آنان را به این کار امر نکرده، و چون امرشان نکرده دانسته می شود که این واجب نیست.

بر این اساس اگر انسان از خواب بیدار شد و گمان کرد که شب است، و خورد و نوشید، سپس برایش آشکار شد که خوردن و نوشیدن او پس از طلوع فجر بوده، قضا ندارد زیرا جاهل بوده است.

اما شرط دوم این است که یادش باشد، و ضد آن فراموشی است. یعنی اگر از روی فراموشی خورد یا نوشید، روزه اش درست است و قضایی بر او نیست، زیرا الله تعالی می فرماید:

﴿... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا...﴾ [البقرة: ۲۸۶].

{پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن}
[بقره: ۲۸۶].

و الله تعالی در پاسخ فرمود: «چنین کردم»، و به دلیل حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «کسی که در حال روزه فراموش کرد [که روزه است] و خورد یا نوشید، روزه اش را کامل کند؛ زیرا الله او را خورنده و نوشانده است». اما شرط سوم این است که انسان مختار باشد و با اراده خودش این کار باطل کننده را انجام داده باشد، اما اگر غیر مختار باشد روزه او درست است، چه این عدم

اراده از روی اجبار باشد یا خیر؛ زیرا الله تعالى درباره کسی که به کفر مجبور شده می فرماید:

﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيْمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [سورة النحل: ١٠٦].

{هر کس بعد از ایمانش به الله کفر بورزد، [گرفتار عذاب الهی خواهد شد]؛ مگر کسی که [به این کار،] وادار شده باشد و [لی] دلش به ایمان، آرام [و استوار] باشد؛ اما هر کس سینه اش را به کفر بگشاید، خشم الله بر آنان است و عذابی سهمگین [در پیش] دارند} [نحل: ١٠٦].

پس چون حکم کفر با اکراه مرتفع می گردد، آنچه کمتر از آن است من باب اولی رفع می شود، و همچنین به دلیل حدیثی که از رسول - الله صلی الله علیه وسلم - روایت شده که فرمودند: «الله از اتم من خطا و فراموشی و آنچه به آن مجبور شده اند را برداشته است».

بر این اساس، اگر غباری به بینی روزه دار وارد شد، و طعم آن را در گلوی اش احساس کرد، و به معده اش پایین رفت، به دلیل آن روزه اش باطل نمی شود، زیرا او عمدا چنین نکرده است.

همینطور اگر مجبور به روزه خواری شد، و برای دفع آن اجبار روزه اش را خورد، روزه اش صحیح است؛ زیرا او مختار نبوده است.

و همچنین اگر در خواب دچار احتلام شد، روزه اش درست است؛ زیرا کسی که خواب است قصد و اراده ندارد.

همینطور اگر مردی زنش را در حال روزه مجبور به جماع کرد، روزه آن زن صحیح است؛ زیرا مختار نبوده است.

اینجا مسئله ای است که باید به آن دقت کرد، اینکه مرد اگر در روز رمضان جماع کرد، در حالی که روزه بر او واجب بوده، بر جماع او چند امر مترتب می شود:

نخست: گناه.

دوم: فاسد شدن روزه.

سوم: قضا.

چهارم: کفاره.

و لازم است که بقیه روز را امساک کند، و تفاوتی ندارد که بداند در صورت جماع چه چیزی بر او واجب می شود یا نداند، یعنی اگر مرد با زنش در روزه رمضان جماع کرد و روزه بر او واجب بود، اما نداند که کفاره بر او واجب می شود، در این حالت کفاره بر او واجب است، زیرا او به عمد کاری که فاسد کننده روزه است انجام داده بنابراین همین عمد مستلزم این است که احکام بر او مترتب گردد؛ همانطور که در حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - آمده که: مردی به نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: یا رسول الله، هلاک شدم! فرمود: «چه چیز تو را

هلاک کرده است؟» گفت: در ماه رمضان در حال روزه بر همسرم افتاده ام. (کنایه از جماع) پس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - او را به کفاره امر کرد، با وجود آنکه آن مرد درباره این کفاره اطلاعی نداشت. و اینجا که می گوییم: **«در حالی که روزه بر او واجب است»** برای آن است که این احتمال که مرد در رمضان در حالی که مسافر است با زنش جماع کرده باشد را دور کرده باشیم، زیرا برای او کفاره لازم نیست، مانند آنکه مرد با همسرش در ماه رمضان در مسافرت باشد، و هر دو نفرشان روزه باشند، سپس با او جماع کند؛ در این صورت کفاره ای بر او نیست، زیرا مسافر اگر روزه اش را آغاز کرد لازم نیست که آن را کامل کند، اگر خواست افطار می کند و بعدا قضایش را به جای می آورد، و اگر خواست ادامه اش می دهد.

*

سوال (۲۱): کارگرانی در کارخانه مشغول به کارند و این کارخانه ها انواع گوناگونی هستند؛ در برخی از این کارخانه ها گرد و غبار بسیاری وجود دارد که از راه بینی و دهان وارد بدن می شود، و برخی از آنها دود بسیاری دارد که همچنین از منافذ بدن وارد می شود، و برخی در کار نقاشی ساختمان یا سم پاشی هستند... الی آخر. آنان ترس این را دارند که این کارشان بر روزه شان اثر بد بگذارد. در این باره لطفا به آنان پاسخ دهد، الله پاداش شما را بدهد. همچنین هر نصیحتی که در آن خیر و فایده می بینید.

پاسخ (۲۱): این کار بر روزه آنان تاثیری نمی گذارد؛ زیرا غبار یا بینی بدون اختیار آنان وارد [بینی و دهان] می شود، اما از نظر سلامتی به نظرم باید بررسی کنند و بپرسند که آیا اگر دهان و بینی خود را باز بگذارند زیانی به آنان نمی رسد؟ یا آنکه باید از ماسک استفاده کنند تا این

دود و این غبار را از [مجارى تنفسى] خود دور کنند؟ و اگر چنین باشد باید دربارهٔ سلامتی خود احتیاط کنند تا زیانی به آنان وارد نشود؛ زیرا نفس انسان امانت است و واجب است که در این امانت تقوای الله را پیشه سازند، و آن را در معرض زیان و آسیب قرار ندهند.

به این مناسبت دوست دارم بیان کنم که باطل کننده ها تنها با سه شرط روزه را باطل می کنند:

شرط اول: اینکه کسی که انجامش می دهد به آن عالم باشد.

دوم: اینکه به یادش باشد (از روی فراموشی نباشد).

و سوم: اینکه مختار باشد.

پس اگر جاهل بود، روزه اش صحیح است، چه این جاهل مربوط به حکم باشد، یا آنکه نسبت به وقت جاهل باشد. جاهل به حکم مانند کسی که در روز رمضان حجامت کند به گمان آنکه حجامت اثری بر روزه ندارد. این شخص چیزی بر او نیست؛ زیرا نسبت به حکم جاهل بوده است.

و جاهل به وقت مانند کسی که در آخر شب در مورد ساعت اشتباه کند، و گمان کند که هنوز فجر طلوع نکرده و بخورد و بنوشد، سپس برایش آشکار شود که بعد از طلوع فجر خورده و نوشیده است. او نیز روزه اش صحیح است، و قضایی بر او نیست؛ زیرا نسبت به وقت جاهل بوده است.

دلیل آن عموم این قول حق تعالی است که:

﴿... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا...﴾ [البقرة: ۲۸۶].

{پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن}
[بقره: ۲۸۶].

و این سخن الله تعالی که:

﴿... وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ
قُلُوبُكُمْ...﴾ [سورة الأحزاب: ۵].

{در مورد آنچه [قبلاً] اشتباه کرده اید، گناهی بر شما نیست؛ ولی
آنچه دل‌هایتان قصد آن را دارد} [احزاب: ۵].

و حدیث اسماء بنت ابوبکر - رضی الله عنهما - که می گوید: در دوران
پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در یک روز ابری افطار کردیم، سپس
خورشید [از پس ابر] بیرون آمد. به روایت بخاری. و بیان نکرده که
رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آنان را امر به قضای آن روز کرده باشد،
و اگر قضا واجب بود قطعاً پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به آن امر می
کرد، و این [از طریق صحابه و راویان] برای امت نقل می شد؛ زیرا اگر
قضا در این حالت واجب بود جزئی از شریعت الله بود، و شریعت الله باید
نقل شود و محفوظ بماند. و دلیل آن از جهت کسی که به حکم جهالت
داشته: حدیث عدی بن حاتم - رضی الله عنه - است که او دو عقال - یعنی
طنابی که زانوی شتر با آن بسته می شود - را که یکی سیاه و دومی سفید
بود برای خود قرار داده بود، و می خورد و می نوشید، و به این دو عقال
می نگریست، پس همین که یکی از آنها را از دیگری تشخیص داد دست
از خوردن و نوشیدن کشید، و سپس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را از
این کارش آگاه کرد، پس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «بالش تو

خیلی وسیع است که طناب سفید و سیاه (یعنی افق) را در خود جا داده است» و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - او را امر به قضا نکرد. اما دلیل شرط دوم - اینکه یادش باشد - عموم این سخن حق تعالی در آیه پیشین است:

﴿.... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾ [البقرة: ۲۸۱].

{پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن} [بقره: ۲۸۶].

زیرا این آیه عام است، و به دلیل خاص این حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «کسی که در حال روزه فراموش کرد [که روزه است] و خورد یا نوشید، روزه اش را کامل کند؛ زیرا الله او را خورنده و نوشنده است». اما شرط سوم - یعنی آنکه مختار باشد - به دلیل عموم این قول حق تعالی که می فرماید:

﴿.... وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ﴾ [سورة الأحزاب: ۵].

{در مورد آنچه [قبلاً] اشتباه کرده اید، گناهی بر شما نیست؛ ولی آنچه دل‌هایتان قصد آن را دارد} [احزاب: ۵].

زیرا آنکه مجبور بوده، از روی عمد انجام نداده، و به دلیل خاص این سخن حق تعالی که:

﴿ مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيْمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾ [سورة النحل: ١٠٦].

{هر کس بعد از ایمانش به الله کفر بورزد، [گرفتار عذاب الهی خواهد شد]؛ مگر کسی که [به این کار،] وادار شده باشد و [لی] دلش به ایمان، آرام [و استوار] باشد؛ اما هر کس سینه اش را به کفر بگشاید، خشم الله بر آنان است و عذابی سهمگین [در پیش] دارند} [نحل: ۱۰۶].

پیرا این خاص به اکراه و اجبار بر شرک است و شرک، بزرگترین حرام هاست، پس اگر شرک - که بزرگترین حرام هاست - حکمش با اجبار ثابت نمی گردد، من باب اولی آنچه کمتر از آن است نیز حکمش اثبات نمی شود، و این آیه بنابر قیاس دال بر این است.

*

سوال (۲۲): حکم روزه کودک چیست؟

پاسخ (۲۲): روزه کودک چنانکه قبلاً گفتیم بر او واجب نیست، بلکه سنت است و اگر روزه بگیرد پاداش دارد و اگر روزه نشود گناهکار نیست، اما بر ولی امر او لازم است که او را به آن امر کند تا عادت کند.

*

سوال (۲۳): حکم روزه کسی که گاه به عقل می آید و گاه مجنون می شود چیست؟ یا یک روز هزیان می گوید و روزی دیگر به هوش است؟

پاسخ (۲۳): حکم همراه با علت خود است، یعنی در اوقاتی که به هوش و عاقل است روزه نیز بر او واجب است، و در اوقاتی که مجنون است و هذیان می گوید روزه ای بر او نیست، یعنی اگر فرض کنیم که او یک روز مجنون است و یک روز به هوش، یا یک روز هذیان می گوید و یک روز دیگر سالم است - یعنی به سبب کهولت سن گاه قدرت تمییز خود را از دست می دهد - در آن روزی که به هوش است؛ لازم است که روزه شود، و در روزی که به هوش نیست، روزه نیز بر او لازم نیست.

*

سوال (۲۴): حکم کسی که در اثنای روز رمضان دچار جنون شده چیست؟

پاسخ (۲۴): اگر در اثنای روز دچار جنون شد روزه اش باطل می شود؛ زیرا دیگر از اهل عبادت نیست، و همینطور اگر هذیان گفت - یعنی به سبب کهولت سن قدرت تمییز خود را در طول روز از دست داد - لازم نیست که امساک کند، ولی لازم است که قضایش را به جا بیاورد، همینطور اگر در اثنای روز مجنون شد لازم است که قضایش را به جا بیاورد؛ زیرا در آغاز روز از اهل وجوب بوده است.

*

سوال (۲۵): حکم روزه روز شک چیست؛ یعنی از ترس آنکه این روز از رمضان باشد آن را روزه شود؟

پاسخ (۲۵): روزه روز شک بنابر نزدیک ترین اقوال [به صحت] حرام است؛ به دلیل سخن عمار بن یاسر - رضی الله عنه - که می فرماید: «کسی

که روز شک را روزه گیرد از [امر] ابوالقاسم - صلی الله علیه وسلم - سرپیچی کرده است»، و به دلیل آنکه روزه دار روز شک مرتکب تعدی به حدود الهی شده است؛ زیرا الله تعالی این حد را قرار داده که رمضان روزه گرفته نشود مگر با رویت هلال یا کامل شدن سی روز شعبان، برای همین پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «کسی از شما یک یا دو روز پیش از رمضان با روزه به پیشواز آن نرود، مگر شخصی که روزه ای را [بر حسب عادتش] می شد پس آن را روزه شود». سپس انسانی که تحت ولایت یک حکومت مسلمان است، از آن تبعیت می کند، یعنی اگر نزد ولی امر ثابت شده که ماه رمضان آغاز شده باید به همراه مسلمانان روزه شود، و اگر ثابت نشده روزه نشود، و قبلاً بیان کردیم که اگر انسان به تنهایی هلال را دید چکار کند؟ آیا روزه شود یا خیر؟

*

سوال (۲۶): حکم کسی که در کشوری مسلمان روزه شده، سپس به کشوری دیگر رفته که هلالش یک روز دیرتر از سرزمین او دیده شده، و اگر از آنان پیروی کند باید بیشتر از سی روز روزه بگیرد، یا برعکس چیست؟

پاسخ (۲۶): اگر انسان از سرزمینی مسلمان به سرزمین مسلمان دیگری رفت و عید فطر در آن سرزمینی که به آنجا رفته دیرتر بود، همراه با آنان می ماند تا با آنان فطر کند، زیرا روزه آن روزی است که مردم روزه می شوند و فطر آن روزی است که مردم فطر می کنند، و قربان آن روزی است که مردم قربانی می کنند، حتی اگر یک روز یا بیشتر روزه شود، زیرا او مانند مسافری است که به سرزمینی سفر کرده که غروب خورشیدش دیرتر است و باید با آنان روزه بماند تا آنکه خورشید غروب کند حتی اگر روزش دو ساعت یا سه ساعت یا بیشتر از روز عادی طول

بکشد، و چون اگر به سرزمین دوم سفر کرد، در آن سرزمین هلال دیده نشده، و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ما را امر کرده که روزه نگیریم و فطر نکنیم مگر با دیدن آن، و فرمود است: «با دیدن آن فطر کنید»، «فطر نکنید تا آنکه آن را ببینید». اما برعکس آن - یعنی اینکه از سرزمینی که هلال ماه را دیرتر دیده اند به سرزمینی برود که زودتر رمضان شروع شده - اینجا نیز همراه آنان فطر می کند، و سپس آنچه از رمضان را از دست داده قضا می کند. اگر یک روز از دست داده یک روز، و اگر دو روز از دست داده دو روز، را قضا می کند، اگر پس از ۲۸ روز فطر کرده است دو روز قضا می کند - یعنی در صورتی که رمضان در هر دو کشور رمضان سی روز بوده - و اگر در هر دو سرزمین یا یکی از آنان ماه یک روز کم بوده (۲۹ روزه بوده) یک روز را قضا می کند.

*

سوال (۲۷): شاید کسی بگوید: چرا در مورد نخست امر می شود که بیش از سی روز روزه بگیرد، اما در مورد دوم روزه های نگرفته را قضا می کند؟

پاسخ (۲۷): در مورد دوم قضا می کند؛ زیرا ممکن نیست که ماه کمتر از بیست و نه روز باشد، و [در مورد اول] بیشتر از سی روز روزه می گیرد؛ چون هلال را ندیده است. در آن مورد به او گفتیم: فطر کن حتی اگر بیست و نه روز کامل نشده باشد؛ زیرا هلال دیده شده، و چون هلال دیده شد باید فطر کرد، و ممکن نیست که روزی از شوال را روزه شود، و چون کمتر از بیست و نه روز است، لازم است که بیست و نه روز را کامل کنی، به خلاف مورد دیگر که هنوز در رمضان هستی، یعنی اگر به سرزمینی بروی و آنجا هلال رؤیت نشود تو هنوز در رمضان هستی، بنابراین چگونه می توانی فطر کنی؟! بنابراین لازم است که [در شرایط

رمضان] باقی بمانی، حتی اگر ماه تو بیشتر شد زیرا این مانند بیشتر شدن ساعات روز [در صورت مسافرت] است.

*

سوال (۲۸): آداب روزه چیست؟

پاسخ (۲۸): از آداب روزه: لزوم تقوای الله عزوجل همراه با انجام اوامر و دوری از نواهی اوست؛ به دلیل این سخن حق تعالی که:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

{ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما واجب شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید} [بقره: ۱۸۳].

و به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم: «کسی که سخن ناحق و عمل به آن و جهل را ترک نکند، الله [نیز] نیازی به این ندارد که او غذا و آبش را ترک کند». و از دیگر آداب روزه این است که صدقه و نیکوکاری و احسان به مردم را زیاد کند، به ویژه در رمضان، زیرا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بخشنده ترین مردم بود، و بیشتر در رمضان بخشنده بود، آنگاه که جبرئیل با ایشان دیدار می کرد و با او قرآن را مدرسه می کرد.

و دیگر اینکه از آنچه الله حرام ساخته از جمله دروغ و دشنام و بدگویی و فریبکاری و خیانت و نگاه حرام و گوش سپردن به حرام و دیگر حرام



هایی که روزه دار و غیر روزه دار باید از آن دوری کند، اما دوری از آن برای روزه دار بیشتر مورد تاکید است، اجتناب کند.

و از دیگر آداب روزه سحری است، و اینکه سحری را به تاخیر اندازد؛ به دلیل سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که می فرماید: «سحری بخورید زیرا در سحری برکت است».

و از دیگر آداب آن همچنین باز کردن روزه با رطب است، و اگر رطب نیافت با خرما، و اگر نیافت با آب.

و از آداب آن مبادرت به افطار هنگام اطمینان از غروب خورشید یا غلبه گمان است؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «مردم همواره در خیر به سر می برند، تا هنگامی که در افطار عجله کنند».

*

سوال (۲۹): در صورت شک در طلوع خورشید، خوردن و نوشیدن چه حکمی دارد؟

پاسخ (۲۹): برای انسان جایز است که بخورد و بنوشد تا آنکه طلوع فجر برایش آشکار گردد؛ به دلیل این سخن حق تعالی:

﴿... فَلَا أَنْ بَاشِرُوهُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ ۖ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ۚ...﴾ [سورة البقرة: ۱۸۷].

{پس اکنون [در شبهای رمضان می توانید] با آنان آمیزش کنید، و آنچه را الله برای شما مقرر داشته طلب کنید. و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح از رشته سیاه [شب] برای شما آشکار شود، سپس روزه را تا شب به اتمام برساند} [بقره: ۱۸۷].

پس تا وقتی که هنوز طلوع فجر برای او آشکار نشده، می تواند بخورد - حتی اگر در شک باشد - تا وقتی که به یقین برسد، بر خلاف غروب خورشید که حق ندارد بخورد، تا وقتی که از غروب خورشید مطمئن شود یا بر اساس گمان غالبش خورشید غروب کرده باشد.

*

سوال (۳۰): حکم خوردن در اثنای اذان فجر تا پایان آن چیست؟

پاسخ (۳۰): حکم خوردن در اثنای اذان به اذان مؤذن بستگی دارد، یعنی اگر مؤذن اذان نمی گوید مگر پس از آنکه از طلوع فجر اطمینان یابد، اینجا واجب است که با شروع اذان امساک نماید؛ به دلیل این سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که می فرماید: «بخورید و بنوشید تا آنکه اذان ابن ام مکتوم را بشنوید». و اگر از طلوع فجر مطمئن نیست بهتر آن است که با شنیدن اذان دست از خوردن و نوشیدن بکشد، و می تواند اگر از طلوع فجر مطمئن نیست؛ همچنان بخورد و بنوشد چون اصل بر بقای شب است، اما احتیاط بهتر است، و بهتر است در اثنای اذان فجر نخورد.

*

سوال (۳۱): حکم شناور شدن یا غوص در زیر آب برای روزه دار چیست؟



پاسخ (۳۱): اشکالی ندارد که روزه دار زیر آب غوص کند یا روی آب شناور شود - یعنی شنا کند - زیرا این از جمله مفطرات نیست، و اصل بر حلال بودن است تا آنکه دلیلی بر کراهت یا تحریم اقامه گردد، و دلیلی برای تحریم و کراهت وجود ندارد، و اینکه برخی از علما آن را مکروه دانسته اند؛ از ترس آن است که نادانسته چیزی از آب به حلق او وارد شود.

*

سوال (۳۲): حکم استعمال قطره و پماد چشم [در حین روزه] چیست؟

پاسخ (۳۲): برای روزه دار اشکالی ندارد که سرمه بکشد، یا قطره چشم استعمال کند، و همینطور از قطره گوش استفاده کند، حتی اگر طعم آن را در گلویش احساس کند روزه اش به این دلیل باطل نمی شود؛ زیرا این نه خوردن و نوشیدن است، و نه در معنای خوردن و نوشیدن، و دلیل درباره منع از خوردن و نوشیدن وارد شده، بنابراین آنچه در معنای این دو است به آن ملحق نمی گردد، و این چیزی که ذکر کردیم اختیار شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - است، و همین درست است.

*

سوال (۳۳): حکم استفاده از مسواک و خمیر دندان پس از طلوع فجر چیست؟

پاسخ (۳۳): اشکالی ندارد که روزه دار با مسواک و خمیر دندان، دندان هایش را تمیز کند، اما با توجه به قدرت نفوذ خمیر دندان شایسته است که انسان در حال روزه از آن استفاده نکند؛ زیرا این بدون آنکه انسان احساس

کند به حلق و معده وارد می شود، و ضرورتی برای استفاده از آن نیست، بنابراین تا افطار از این کار دست نگه دارد، و این کار را در شب انجام دهد نه در روز، اما در اصل این جایز است، و اشکالی ندارد.

*

سوال (۳۴): حکم آزمایش خون و اهدای خون برای روزه دار چیست؟

پاسخ (۳۴): گرفتن خون برای روزه دار؛ به قصد آزمایش آن جایز است، و اشکالی ندارد. اما اهدای خون، آنطور که به نظر می رسد کسی که خون اهدا می کند خون زیادی از او می رود و این حکم حجامت را پیدا می کند، برای همین به روزه داری که روزه فرض گرفته می گوئیم: در حال روزه خون اهدا نکند. مگر آنکه این کار ضروری باشد، که در این صورت اشکالی ندارد. مثال: اگر پزشکان بگویند: این شخصی که دچار خونریزی شده اگر به او خون نرسد خواهد مرد، و باید کسی به او خون اهدا کند، و روزه داری را یافتند که به او خون اهدا کند، در این حالت اشکالی ندارد که روزه دار به او خون بدهد، و پس از آن روزه اش را باز کند، و بقیه روز را بخورد و بنوشد؛ زیرا او اینجا برای ضرورت افطار کرده و کارش مانند نجات شخص گرفتار در آتش و شخص غریق است، و باید قضای آن روز را به جا بیاورد.

*

سوال (۳۵): حکم استفاده از کرم های مرطوب کننده اگر بینی و لب های شخص دچار خشکی باشد چیست؟



پاسخ (۳۵): بعضی از روزه داران مشکل خشکی در بینی و لب دارند. در این حالت اشکالی ندارد که شخص از چیزی که باعث رطوبت بینی و لب می شود استفاده کند، یا آن را با دستمال مرطوب و مانند آن خیس کند، اما باید مواظب باشد که چیزی از این کرم که برای رفع خشکی است به شکمش وارد نشود، و اگر چیزی بدون اراده او وارد بدن شد اشکالی بر او نیست، مانند کسی که در وضو مضمضه کند، و آب [ناخواسته] وارد شکم او شود، و این باعث باطل شدن روزه اش نمی شود.

*

سوال (۳۶): حکم تزریق در عضله و رگ [در حال روزه] چیست؟

پاسخ (۳۶): تزریق در رگ یا عضله یا باسن اشکالی ندارد، و باعث باطل شدن روزه نمی شود؛ زیرا این از جمله مفطرات نیست، و به معنای آن نیست چون نه خوردن و نه نوشیدن به حساب می آید، و نه در معنای خوردن و نوشیدن است، و بیشتر بیان کردیم که این تاثیری ندارد، و تزریقی تاثیر دارد که بیمار را از خوردن و نوشیدن بی نیاز کند.

*

سوال (۳۷): حکم مبالغه در مضمضه و استنشاق (زدن آب در دهان و بینی) در روز رمضان چیست؟

پاسخ (۳۷): بهتر بود که سوال به این شکل مطرح می شد: حکم مبالغه در مضمضه و استنشاق برای روزه دار چیست؟ پاسخ این است: این کار مکروه است؛ به دلیل سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خطاب به لقیط بن صبره - رضی الله عنه - که فرمودند: «وضو را کامل نموده، و بین انگشت



ها را خلال کن، و در استنشاق مبالغه کن مگر اینکه روزه باشی»، و این دلیلی است بر اینکه روزه دار در استنشاق و مضمضه نباید مبالغه کند؛ زیرا این ممکن است به وارد شدن آب به شکم بینجامد، و روزه اش به این سبب باطل شود.

اما اگر فرض کنیم که او زیاده روی کرد، و آب بدون قصد او وارد شکم شد، این باعث باطل شدن روزه اش نمی شود، زیرا یکی از شروط افطار این است که روزه دار به عمد کاری را انجام دهد که باعث باطل شدن روزه می شود.

*

سوال (۳۸): حکم بوییدن عطر برای روزه دار چیست؟

پاسخ (۳۸): اشکالی ندارد که روزه دار عطر را بو کند، چه این عطر به صورت روغنی باشد یا به صورت بخور، اما اگر بخور بود نباید دودش را بو کند؛ زیرا دود دارای چرم است و وارد بدن می شود، دود جسمی است که [از طریق بوییدن] وارد بدن می شود، و مانند آب باعث باطل شدن روزه می شود، اما صرف بوییدن آن بدون فرو بردن [دود] آن به طوری که وارد جوف شود، اشکالی ندارد.

*

سوال (۳۹): آیا بو کردن عطرهایی مانند بُخور و عود بر روزه روزه دار اثر می گذارد، و آن را باطل می کند یا خیر؟

پاسخ (۳۹): عطرهایی که جرم ندارد که وارد بینی شود، روزه را باطل نمی‌کند، اما بخوری که دود دارد و دودش پراکنده می‌شود اگر این [دود] را بو بکشد تا آنکه به داخل بدنش برود، روزه را باطل می‌کند؛ زیرا این دارای جرم و این جرم وارد بدن می‌شود، به خلاف عطره‌های مایع که انسان فقط آن را بو می‌کند، و این عطرها چرمی ندارد که وارد بدن شود، اما مجرد رساندن دود بخور (عطره‌های سوختنی) به بدنش اشکالی ندارد.

*

سوال (۴۰): چه تفاوتی میان بخور و قطره ای که به حلق می‌رسد، و روزه دار طعم آن را احساس می‌کند وجود دارد؟

پاسخ (۴۰): فرق بین آنها این است که آنکه بخور را بو می‌کند به عمد از محل عادی اش یعنی از بینی آن را وارد بدنش می‌کند، اما قطره چشم و گوش آنچه باعث باطل شدن روزه می‌شود را از منفذ عادی وارد بدن نکرده، مانند کسی که پا بر روی حنظله (هندوانه ابوجهل که تلخ است) بگذارد، و در حلقش احساس تلخی کند.

*

سوال (۴۱): حکم کسی که از روی فراموشی بخورد یا بنوشد چیست؟ و اگر در اثنای آن متوجه شد چکار باید بکند؟

پاسخ (۴۱): قبلاً گفتیم که روزه کسی که فراموش کرده باطل نمی‌شود حتی اگر بسیار خورده باشد یا نوشیده باشد، تا وقتی که این خوردن و نوشیدن از روی فراموشی بوده روزه اش باطل نمی‌شود؛ به دلیل سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که می‌فرماید: «کسی که در حال روزه

فرااموش کرد [که روزه است] و خورد یا نوشید، روزه اش را کامل کند؛ زیرا الله او را خورانده و نوشانده است». اما از همان وقتی که یادش می آید باید فوراً از خوردن و نوشیدن دست بکشد، و حتی اگر فرض کنیم که لقمه یا نوشیدنی در دهان اوست باید آن را بیرون بیندازد؛ زیرا آن عذری که مانع از باطل شدن روزه بود (فرااموشی) اکنون زایل شده است.

*

سوال (۴۲): بسیاری از مردم گمان می کنند که اگر دیدند روزه داری از روی فرااموشی دارد می خورد، نباید به او یادآور شوند. آیا این صحیح است؟

پاسخ (۴۲): اگر روزه داری را دید که دارد می خورد باید به او یادآوری کند؛ زیرا این از باب تعاون در راه نیکوکاری و تقواست، همینطور که اگر ببیند شخصی دارد به سوی غیر قبله نماز می خواند، یا اگر شخصی را ببیند که می خواهد با آب نجس وضو بگیرد یا چیزی شبیه به آن، واجب است که او را از این امر آگاه سازد، روزه دار اگرچه به سبب فرااموشی اش معذور است، اما برای برادرش که از حال او آگاه است، واجب است که او را یادآور شود، شاید این را بتوان از این سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دانست که می فرماید: «همانا من بشری همانند شما هستم و چنان که شما فرااموش می کنید، فرااموش می کنم، پس اگر فرااموش کردم مرا یادآوری کنید»، همینطور که اگر در نماز [سوره را] فرااموش کند، او را یادآور می شوند، همینطور کسی که روزه اش را فرااموش کرده یادآور می شود.

*

سوال (۴۳): خارج شدن خون از بینی یا دهان یا بقیه بدن روزه دار چه حکمی دارد؟

پاسخ (۴۳): این زیانی [به روزه] او نمی رساند، زیرا این بدون قصد رخ داده، بنابراین اگر از بینی اش خون آمد، و خون بسیاری از او آمد، روزه اش درست است.

*

سوال (۴۴): اگر به دلیلی مانند کندن دندان از او خون آمد چه؟

پاسخ (۴۴): این نیز ایرادی ندارد؛ زیرا او به هدف خارج کردن خون دندانش را نکرده، بلکه به دلیل مشکلی که دندانش داشته این کار را کرده است، بنابراین هدف او کندن دندان به دلیل مشکل و درد دندان است، از سوی دیگر خونی که با کندن دندان بیرون می آید خونی است کم که در معنای حجامت وارد نمی شود.

*

سوال (۴۵): اگر شخصی مثلاً روی زمین افطار کند و سپس سوار هواپیما شود، و در آسمان خورشید برایش آشکار شود، حکم چیست؟

پاسخ (۴۵): حکم آن است که لازم نیست امساک کند، زیرا وقتی خورشید بنابر دلیل شرعی غروب کرد و انسان بر اساس آن مقتضای شرعی عمل کرد، دیگر او را امر نمی کنند که کارش را اعاده کند.

*

سوال (۴۶): بعضی از زنان در رمضان از قرص هایی برای جلوگیری از عادت ماهیانه (حیض) استفاده می کنند تا آنکه بعدا نیازی به قضای آن نداشته باشد. آیا این کار جایز است؟ و آیا استفاده از آن قید و شرطی دارد تا زنان انجامش دهند؟

پاسخ (۴۶): آنچه به نظر من می آید این است که زن چنین کاری نکند و بر همان چیزی که الله مقدر کرده است و برای دختران آدم نوشته است بماند؛ زیرا الله تعالی در قرار دادن این عادت ماهیانه حکمت هایی دارد، و این حکمت مناسب طبیعت زن است، اما اگر زن از این عادت ماهیانه جلوگیری کند بدون شک عکس العملی مضر برای بدن زن خواهد داشت، و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «**زیان به خود ندهید، و زیان به دیگران نرسانید**»، این بدون در نظر گرفتن ضررهائی که این قرص ها به رحم زن وارد می کند، چنانکه پزشکان گفته اند. برای همین آنچه من در این مسئله می گویم این است که زنان از این قرص ها استفاده نکنند، و الله را برای تقدیر و حکمتش ستایش می گوئیم، و اگر حیض او آمد از روزه و نماز خودداری کند، و چون پاک شد روزه و نمازش را ادامه دهد، و چون رمضان به پایان رسید روزه هایی که از او فوت شده را قضا کند.

*

سوال (۴۷): شخصی در حالی که در غرب بوده ماه رمضان فرا رسیده است، و برای تشخیص آغاز و پایان روز دچار مشکل است. او اکنون باید چکار کند؟ همچنین هنگام شب نه رستوران هست و نه سوپر مارکت، بنابراین آیا باید از اول شب دست از خوردن و نوشیدن بکشد؟ و

آیا اجازه دارد که روزه نشود، و وقتی که از مأموریت طولانی مدتش برگشت قضایش را به جا بیاورد؟

پاسخ (۴۷): مشهور آن است که در کشورهای غربی که اقلیت های مسلمان وجود دارد تقویم هایی برای امساک و افطار دارند، و مراکز اسلامی دارند که این اوقات را اعلام می کنند. او می تواند با این مراکز اسلامی تماس بگیرد؛ تا وقت امساک و افطار را به او بگویند. اما اینکه شب ها نمی تواند سوپرمارکت و رستوران پیدا کند، می تواند غذاهایی مانند نان را [هنگام روز] تا پایان شب ذخیره کند، و در پایان شب سحری بخورد؛ زیرا این بهتر است، و اگر در اول روز غذا بخورد اشکالی ندارد؛ زیرا تاخیر سحری مستحب است نه واجب. اما اینکه روزه نگیرد تا پس از بازگشتش قضایش را به جا بیاورد، این مسئله ای است که میان اهل علم محل اختلاف است، برخی از آنان می گویند که او می تواند روزه نگیرد، و در زمستان یا پس از بازگشت قضایش را به جا بیاورد. اما قول راجح و درست تر آن است که اگر قرار است آنجا بماند شایسته نیست که قضای روزه ها را تا رمضان بعدی به تاخیر بیندازد؛ تا آنکه ماه های رمضان بر روی هم متراکم نگردد.

برخی از علما هم می گویند: اگر نیت اقامت بلند مدت دارد باید روزه شود؛ زیرا حکم سفر در مورد او به دلیل نیت اقامت به مدت چهار روز یا پانزده روز - بر اساس اختلاف علما - قطع می شود. والله اعلم.

*

سوال (۴۸): در شمال اروپا مشکلی برای مسلمان پیش می آید و آن طولانی بودن شب و روز است؛ گاه ممکن است روز ۲۲ ساعت به طول بیانجامد، و شبش دو ساعت باشد، و در فصل دیگر برعکس، چنانکه این

برای یکی از کسانی که در رمضان در هنگام شب از این سرزمین عبور کرده بود پیش آمده بود. او همچنین می گفت که به او گفته اند در بعضی از مناطق شش ماه شب است و همانند آن [شش ماه] روز. در چنین سرزمین هایی چگونه می توان زمان روزه را اندازه گرفت؟ و مسلمانان شهروند این مناطق یا کسانی که به قصد کار یا تحصیل آنجا هستند باید چگونه روزه شوند؟

پاسخ (۴۸): این اشکالی که در این سرزمین ها پیش می آید فقط خاص به روزه نیست، بلکه همچنین نماز را در بر می گیرد، اما اگر سرزمینی شب و روز داشته باشد باید بر اساس همان عمل کرد، هر چقدر این روز کوتاه باشد یا بلند.

اما اگر شب و روز نداشته باشد مانند مناطق قطبی که شش ماه روز است و شش ماه شب، اینها وقت روزه شان و وقت نمازشان را [بر اساس چیزی] اندازه گیری می کنند، اما بر چه اساس آن را اندازه می گیرند؟

برخی از علما گفته اند که آنان بر اساس اوقات مکه عمل می کنند؛ زیرا مکه ام القری است، و همه شهرها به آنجا اقتدا می کنند؛ زیرا مادر همان چیزی است که به آن اقتدا می شود مانند امام، چنانکه شاعر می گوید:

بر سر او مادری است که از او هدایت می جوید

...

و دیگران گفته اند: بلکه باید سرزمین هایی [با ساعات] معتدل [شب و روز] را در نظر بگیرد، و شب را دوازده ساعت در نظر بگیرند، و روز را دوازده ساعت؛ زیرا این زمان معتدل در شب و روز است.

و برخی از علما گفته اند که آنان بر اساس نزدیکترین سرزمینی که شب و روز منظم دارد عمل می کنند. و این قول راجح و بهتر است؛ زیرا نزدیکترین سرزمین شایسته تر به پیروی است، و از نظر جغرافیایی هم به آب و هوا و شرایط آنان شبیه تر است. بر این اساس به نزدیک ترین سرزمین آنان از نظر شب و روز نگاه می کنند، و بر همان اساس رفتار می کنند، هم درباره روزه و هم درباره نماز.

*

سوال (۴۹): حکم آمیزش در روز رمضان چه به یادش باشد و چه از روی فراموشی باشد چیست؟

پاسخ (۴۹): آمیزش جنسی در روز رمضان مانند دیگر باطل کننده های روزه اگر از سوی کسی باشد که روزه نشدن برایش مباح است، اشکالی بر او نیست، چه روزه باشد [اما خوردن روزه برایش مباح باشد مانند مسافر] یا [از همان اول به سبب عذر روزه نباشد] اما لازم است که قضای آن روز را انجام دهد. اما اگر کسی باشد که روزه بر او لازم است، در صورتی که کارش از روی فراموشی یا جهل باشد نیز چیزی بر او نیست؛ زیرا آمیزش روزه دار اگر از روی فراموشی یا جهل باشد روزه را باطل نمی کند، اما اگر یادش باشد که روزه است و [به حرمت این کار] آگاه باشد، پنج چیز بر این کارش مترتب می گردد: گناهکار می شود، و روزه آن روزش باطل می شود، و باید تا وقت افطار امساک کند، و باید قضای آن روز را به جا بیاورد و باید کفاره بدهد. کفاره آن آزاد کردن یک برده

است، و اگر نیافت روزه گرفتن دو ماه پی در پی، و اگر نتوانست غذا دادن به شصت بینوا؛ به دلیل حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - که مردی به نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمد، و گفت: یا رسول الله هلاک شدم! فرمود: «چه چیز تو را هلاک کرده؟» گفت: در رمضان بر زخم افتاده ام (کنایه از آمیزش) در حالی که روزه بودم. پس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ویژگی های کفاره را برای او ذکر کرد، یعنی: آزاد کردن برده، اما آن مرد گفت: که برده ای نمی یابد (توانایی مالی اش را ندارد)، پس فرمود: روزه دو ماه پی در پی. آن مرد گفت: که نمی تواند. فرمود: غذا دادن شصت بینوا. آن مرد اظهار کرد که توانایی اش را ندارد. سپس آن مرد نشست تا آنکه برای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خرمایی آوردند، پس خطاب به او فرمود: «این را بگیر، و با آن صدقه بده». گفت: آیا به فقیرتر از خودم یا رسول الله؟! به الله سوگند در این شهر خانواده ای فقیرتر از من نیست. پس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آنقدر خندید که دندان هایش آشکار شد، و فرمود: «آن را به خانواده خود بخوران».

*

سوال (۵۰): اگر در یک روز چند بار جماع کند، آیا باید چند بار کفاره بدهد؟

پاسخ (۵۰): قول مشهور در مذهب امام احمد - رحمه الله - این است که اگر در یک روز چند بار تکرار شود، و کفاره جماع اول را نداده باشد یک کفاره برایش کافی است، و اگر در دو روز تکرار شود برای هر روز یک کفاره لازم است؛ زیرا هر روز یک عبادت مستقل است.

*

سوال (۵۱): از حدیث «روزه در سفر از نیکوکاری نیست» افضالیت روزه نگرفتن در سفر برداشت می شود. آیا علت آن مشقت است؟ اگر علت مشقت را در نظر بگیریم سفرها امروزه با هواپیما و اتومبیل ها و دیگر وسایل نقلیه کولردار باعث از بین رفتن مشقت شده است. لطفا در این باره نظر خودتان را بگویید، و بیان کنید که در این حالت کدام بهتر است: روزه داشتن یا روزه نگرفتن؟

پاسخ (۵۱): مسافر می تواند که روزه باشد و می تواند که روزه نباشد؛ به دلیل این سخن حق تعالی که:

﴿...وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ...﴾
[سورة البقرة: ۱۸۵].

{و کسی که بیمار یا مسافر بود تعدادی از روزهای دیگر را [به جایش روزه می شود]} [بقره: ۱۸۵].

و صحابه - رضی الله عنهم - همراه با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به سفر می رفتند، و برخی روزه بودند، و برخی نبودند، و آنکه روزه بودن بر آنکه روزه نبود ایراد نمی گرفت، و آنکه روزه نبود به آنکه روزه بود ایراد وارد نمی کرد.

و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در سفر روزه می شدند. ابودرداء - رضی الله عنه - می گوید: همراه با پیامبر در روزی بسیار گرم به سفر رفتیم، و از ما کسی روزه نبود جز رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و عبدالله بن رواحه.

قاعده برای مسافر این است که می تواند میان روزه و افطار یکی را انتخاب کند، اما اگر روزه برای او دشوار نیست بهتر است که روزه شود؛ زیرا این سه فایده دارد:

نخست: اقتدا به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است.

دوم: روزه [در خود رمضان] برای انسان آسان است؛ چون مردم نیز همراه او روزه هستند، و این باعث می شود روزه برای او آسانتر باشد.

فایده سوم: ذمه اش زودتر خالی می شود و مسئولیت زودتر از دوش او برداشته می شود.

این در صورتی است که روزه برایش دشوار نباشد، اما اگر دشوار بود روزه نمی شود، و روزه شدن در سفر از نیکوکاری نیست، زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وقتی دیدند که مردی را زیر سایه برده اند، و گروهی دور او جمع شده اند، فرمود: «این چیست؟» گفتند: روزه دار است. فرمود: «روزه بودن در سفر از نیکوکاری نیست»، عموم این قول بر کسانی اطلاق می شود که در چنین حالتی از مشقت قرار بگیرند که این مرد دچارش بود، بر این اساس می گوئیم: سفر در حال حاضر - چنانکه در سوال آمده - اگر روزه در آن دشوار نباشد، بهتر آن است که روزه شود.

*

سوال (۵۲): حکم روزه برای مسافر اگر روزه برایش دشوار باشد چیست؟

پاسخ (۵۲): اگر روزه برایش دشوار بود، آن دشواری که قابل تحمل باشد، روزه شدن مکروه است؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وقتی دیدند که مردی را زیر سایه برده اند، و گروهی دور او جمع شده اند، فرمود: «این چیست؟» گفتند: روزه دار است. فرمود: «روزه بودن در سفر از نیکوکاری نیست». اما اگر مشقتی که حاصل می شود شدید باشد واجب است که روزه نشود؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وقتی که مردم به نزد ایشان شکایت بردند که روزه برایشان دشوار شده است افطار کردند [تا بقیه نیز افطار کنند]، سپس به ایشان خبر دادند که برخی از مردم [همچنان] روزه هستند؛ ایشان فرمودند: «آنان عاصیان هستند، آنان عاصیان هستند». اما کسی که روزه برایش دشوار نیست بهتر آن است که با اقتدا به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روزه شود، زیرا چنانکه ابودرداء می گوید: ما در روزی بسیار گرم در رمضان به همراه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بودیم، و در میان ما کسی جز رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و عبدالله بن رواحه کسی روزه نبود.

*

سوال (۵۳): آیا سفر برای تحصیل در خارج یا برای مأموریت هایی که بیش از یک ماه طول می کشد افطار را مباح می سازد؟ چون روزه در کشورهای غربی سخت است، و دشواری های بسیاری دارد. و آن سفری است که کوتاه کردن نماز و روزه نشدن در رمضان در آن جایز نیست؟

پاسخ (۵۳): درباره این مسئله میان علما اختلاف بسیار است، که آیا مسافر اگر بیش از چهار روز - یا بیش از پانزده روز یا بیش از نوزده روز - نیت اقامت داشته باشد، حکم سفرش باطل می شود، یا تا وقتی که نیت ماندن کامل در آنجا را نداشته باشد همچنان مسافر است؟ درباره این مسئله میان علما اختلاف نظر است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه و شاگرد ایشان ابن قیم این نظر را ترجیح داده اند که انسان تا وقتی که در سفر است و نیت اقامت مطلق نکرده است، و بلکه برای یک نیاز در آنجاست و هر وقت آن نیاز برآورده شد به سرزمینش برمی گردد، او در حکم مسافر است.

از میان علما، عبدالله فرزند شیخ الاسلام محمد بن عبدالوهاب این قول را برگزیده، و همچنین شیخ محمد رشید رضا صاحب مجله «المنار» و همچنین شیخ ما عبدالرحمن به ناصر ابن سعدی، رحمت الله بر همه آنان باد؛ زیرا دلیلی وجود ندارد که دال بر باطل شدن حکم سفر بر اساس اقامتی باشد که از روی یک نیاز باشد، و هر گاه آن نیاز برطرف شود به سرزمینش برگردد. و درباره این مسئله آثاری را ذکر کرده اند، از جمله اینکه ابن عمر - رضی الله عنهما - شش ماه در آذربایجان ماند، و در این مدت نماز را به صورت قصر ادا می کرد، و آنچه باعث شده بود آنجا بماند بارش برف بود، همینطور آثاری را از برخی از تابعین نقل کرده اند که در مرزهای اسلامی اقامت داشتند. با این حال، به نظر من شایسته نیست که روزه رمضان را تا رمضان بعدی به تاخیر بیندازند؛ زیرا اگر چنین کنند چند ماه روی هم جمع می شود، و بعدا قضایش برایشان دشوار خواهد شد. و سفری که در آن قصر نماز و روزه نگرفتن در آن جایز نیست، سفری است که کمتر از مسافت سفر باشد، یعنی نزد کسانی که مسافت سفر را ۱۶ فرسخ تعیین کرده اند، و فرسخ یعنی سه میل. و بر اساس کیلومتر تقریباً برابر با هشتاد و یک کیلومتر و سیصد متر یا همین حدود است.

همینطور سفری حرام، یعنی سفری که انسان برای انجام یک کار حرام انجام می دهد. این نیز از جمله سفرهایی است که علما درباره آن اختلاف

کرده اند که آیا جایز است در چنین سفری از رخصت های سفر استفاده کند یا خیر؟

برخی از آنان بر اساس عموم ادله قائل به جواز هستند.

و برخی گفته اند که او از این رخصت برخوردار نیست، و جایز نیست که از رخصت های سفر استفاده کند؛ زیرا او در این سفرش گناهکار است و استفاده از رخصت و آسانگیری [شریعت] مناسبت گناهکار نیست، مانند کسانی که به سرزمینی می روند؛ تا در آنجا از چیزهای حرامی مثل شراب و قمار و فحشا و مانند آن استفاده کنند، اینها حق استفاده از قصر نماز را ندارند، و بنابر یکی از دو قول علما حق ندارند روزه نشوند، و علم آن نزد الله است.

*

سوال (۵۴): آیا روزه نشدن در سفر مدت معینی دارد؟

پاسخ (۵۴): نه ایام مشخصی ندارد؛ زیرا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هنگامی که مکه را فتح کرد در بیستم رمضان وارد آنجا شد و بقیه ماه را روزه نشد، چنانکه در حدیث ابن عباس - رضی الله عنهما - نزد بخاری ثابت است، و ایشان پس از آن نوزده یا بیست روز آنجا ماندند، ایشان علیه الصلاة والسلام نوزده روز در مکه ماندند که در این مدت نماز را قصر می کردند، و در رمضان نیز روزه نشدند.

*

سوال (۵۵): حکم روزه شخصی که در ماه رمضان به عمره رفته چیست؟

پاسخ (۵۵): حکم روزه اش آن است که اشکالی ندارد، و قبلاً بیان کردیم که مسافر اگر روزه برایش دشوار نباشد بهتر آن است که روزه شود، و اگر روزه نشد اشکالی بر او نیست، و اگر این شخص معتمر می گوید اگر روزه باشم ادای مناسک عمره برایش سخت می شود، و من بین دو انتخاب قرار دارم: یا آنکه اعمال عمره را به بعد از مغرب موکول کنم، و هنگام رسیدن به مکه روزه بمانم، و یا آنکه روزه ام را باز کنم و فوراً عمره را ادا کنم. در این صورت به او می گوییم: بهتر آن است که افطار کنی، و اعمال عمره را هنگام رسیدن به مکه انجام دهی؛ زیرا این - یعنی ادای عمره از هنگام رسیدن به مکه - کاری است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - انجام دادند، و همچنین زیرا هدف شخص معتمر، به جای آوردن عمره است، و هدف مهمترش آن نیست که در مکه روزه شود.

*

سوال (۵۶): حکم سفر در رمضان به هدف روزه نشدن چیست؟

پاسخ (۵۶): روزه در اصل بر انسان واجب است، بلکه روزه فرض است و رکنی از ارکان اسلام است چنانکه معروف است، و برای انسان جایز نیست برای اسقاط چیزی که در شرع واجب شده دست به حیلہ گری بزند، بنابراین کسی که برای روزه نگرفتن به سفر می رود، این سفر بر او حرام است، و همینطور این روزه نگرفتن نیز حرام است، و واجب است که توبه کند و از این سفرش برگردد و روزه بگیرد، و اگر از سفر برنگشت روزه بر او واجب است حتی اگر در حال سفر باشد. خلاصه

پاسخ این است که: برای انسان جایز نیست که به هدف روزه نشدن در رمضان با استفاده از سفر دست به حيله گری بزند؛ زیرا حيله گری برای اسقاط واجب، باعث اسقاط واجب نمی شود، همانطور که حيله گری برای حلال کردن حرام باعث حلال شدن آن نمی شود.

*

سوال (۵۷): حکم انجام سریع قضای رمضان چیست؟

پاسخ (۵۷): مبادرت و زودتر انجام دادن قضای رمضان بهتر از تاخیر است؛ زیرا انسان نمی داند چه چیز برای او پیش خواهد آمد، و اینکه مبادرت ورزد و قضای روزه ای که بر عهده دارد را انجام دهد، این به جدیت و حرص بر خیر نزدیک تر است، و اگر حدیث عائشه - رضی الله عنها - نبود که می فرماید: روزه رمضان بر عهده من بود، پس نمی توانستم قضایش را به جا بیاورم مگر در شعبان. اگر این حدیث نبود می گفتیم مبادرت به انجام قضای رمضان واجب است. و این حدیث دال بر آن است که هر کس روزه ای از رمضان بر عهده او مانده نباید آن را تا رمضان بعد به تاخیر اندازد، پس برای کسی که قضای رمضان دارد جایز نیست که آن را بدون عذر به رمضان دیگر بیاورد، همینطور اگر بیمار بود و نمی توانست، یا زنی بود که به نوزاد شیر می داد، و نمی توانست روزه شود، اشکالی ندارد که قضای رمضان گذشته را تا رمضان بعدی به تاخیر اندازد.

*

سوال (۵۸): بسیاری از مسلمانان هستند که معتقدند اگر عبادتی از انسان فوت شد ساقط می شود، یعنی اگر نمازی از وقتش گذشت و فوت شد دیگر ادا نمی شود، و همینطور رمضان؟

پاسخ (۵۸): قبلاً قاعده ای را بیان کردم و گفتیم: عباداتی که وقت مشخص دارند را اگر انسان بدون عذر از وقتش به تاخیر اندازد دیگر هرگز از او پذیرفته نمی شود، حتی اگر هزار بار تکرارش کند، و باید که توبه کند و همان توبه کافی است. اما اگر روزه رمضان را به دلیل عذری مانند بیماری یا سفر یا عذری جز این دو ترک کرد، باید قضایش را انجام دهد؛ چنانکه الله تعالی می فرماید:

.... وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ﴿۱۸۵﴾ [البقرة: ۱۸۵].

{و کسی که بیمار یا مسافر بود تعدادی از روزهای دیگر را [به جایش روزه می شود]} [بقره: ۱۸۵].

*

سوال (۵۹): اگر قضای روزه را بدون عذر آنقدر به تاخیر انداخت که رمضان بعدی رسید، آیا همراه با قضا باید کار دیگری نیز انجام دهد؟

پاسخ (۵۹): قول راجح آن است که جز قضا چیزی بر عهده او نیست، و لازم نیست که غذا دهد؛ به دلیل عموم این قول الله متعال:

﴿ ... وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ... ﴾
[سورة البقرة: ۱۸۵].

{و کسی که بیمار یا مسافر بود تعدادی از روزهای دیگر را [به جایش روزه می شود]} [بقره: ۱۸۵].

اینجا الله تعالی تنها تعدادی از روزهای دیگر یاد کرده، و از غذا دادن نام نبرده است، و اصل بر برائت ذمه است تا آنکه دلیلی بر وجوب بیاید، اما تاخیر قضا تا رمضان بعد حرام است مگر آنکه از روی عذر باشد.

*

سوال (۶۰): آیا میان ادا و قضا تفاوتی است؟

پاسخ (۶۰): قضا - چنانکه گفتیم - تا رمضان بعدی وقت دارد، اما وقت ادا تنگ است، و باید در خود ماه رمضان باشد.

ثانیا: در ادا (یعنی روزه ای که در خود ماه رمضان ادا می شود) در صورت جماع کفاره واجب می شود، اما در روزه قضا اگر جماع صورت گیرد کفاره واجب نمی شود.

ثالثا: در ادا اگر انسان در اثنای روزه بدون عذر افطار کند روزه اش باطل می شود، اما لازم است که بقیه روز را [از خوردن و نوشدن و جماع و دیگر باطل کننده ها] امساک نماید؛ و این از روی احترام زمان [ماه رمضان] است.

اما درباره قضا اگر در اثنای روزه اش آن را بخورد، روزه اش باطل می شود اما لازم نیست که امساک کند؛ زیرا زمان قضا (خارج از ماه رمضان) حرمت ندارد؛ زیرا مهلت قضا در همه ایام، واسع است.

*

سوال (۶۱): حکم کسی که قضای رمضان داشته و از دنیا رفته چیست؟

پاسخ (۶۱): اگر در حالی که قضایی از ماه رمضان بر عهده اوست از دنیا رفته، ولی او به جایش روزه می شود، و منظور از ولی، خویش یا وارث اوست. به دلیل حدیث عایشه - رضی الله عنها - که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «آنکه در گذشته در حالی که بر او روزه ای بوده، ولی او به جایش روزه شود»، و اگر ولی او روزه نشد به جای او برای هر روز به یک بینوا غذا بدهد.

*

سوال (۶۲): اگر مسلمانی [در رمضان] روزه بود و از دنیا رفت، و بقیه رمضان را از دست داد، آیا لازم است که ولی او به جایش [رمضان را] کامل کند؟

پاسخ (۶۲): لازم نیست که ولی او به جایش کاملش کند، و لازم نیست که به جایش غذا بدهد؛ زیرا هر گاه کسی از دنیا برود عملش نیز قطع می شود، چنانکه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «هرگاه فرزند آدم بمیرد عملش از او قطع می شود مگر از سه راه: صدقه جاریه، یا علمی که از آن سود برده شود، یا فرزند صالحی که برایش دعا کند».

بر این اساس، اگر [وسط رمضان] از دنیا برود به جایش قضا نمی شود، و به جایش غذا داده نمی شود، بلکه حتی اگر در وسط روز از دنیا برود از او قضا نمی شود.

*

سوال (۶۳): منظور از تراویح و تَهَجُّد چیست؟

پاسخ (۶۳): تراویح همان قیام رمضان است، چنانکه پیامبر - صلی اله علیه وسلم - می فرماید: «هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن به نماز ایستد، گناهان گذشته اش بخشیده می شوند». و از آنجایی «تراویح» نام گرفته؛ زیرا مردم در گذشته آن را طولانی انجام می دادند، و هر گاه چهار رکعت را تمام می کردند - یعنی دو سلام - کمی استراحت می کردند، و سپس ادامه می دادند، حدیث عایشه - رضی الله عنها - بر همین حمل می شود که می فرماید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چهار [رکعت] به جا می آورد، پس از زیبایی و طولانی بودنش نپرس، سپس چهار [رکعت] به جا می آورد که از زیبایی و طولانی بودنش نپرس، سپس سه رکعت ادا می کردند. منظور ایشان این است که چهار رکعت را با دو سلام به جا می آوردند، اما بین این چهار رکعت و چهار رکعت های دیگر فاصله ای بود. تراویح سنت است، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آن را سنت قرار داده است، اما او سه شب این نماز را با اصحاب خود برگزار کرد، و سپس [برای این نماز] نیامد و فرمود: «ترسیدم که بر شما فرض شود».

و شایسته است که انسان درباره این نماز سهل انگاری نکند؛ تا اجر کسی که قیام رمضان را انجام داده به دست بیاورد، یعنی آمرزش گناهان گذشته.

و شایسته است که همراه با امام این نماز را انجام دهد؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرماید: «آنکه همراه امام به قیام ایستد تا آنکه [امام از نماز] منصرف شود [و نمازش به پایان برسد] برایش قیام یک شب [کامل] نوشته می شود».

و پنهان نیست که تراویحی که اکنون انجام می شود خالی از برخی اشتباهات نیست که از سوی امامان و دیگران رخ می دهد.

از سوی امامان اشتباهات بسیاری رخ می دهد؛ برخی نماز تراویح را بسیار سریع می خوانند طوری که مردم نمی توانند پشت سر آنان به طمأنینه (آرام گرفتن در حرکات نماز) برسند، و این برای کهنسالان و ضعیفان و بیماران و این دست افراد دشوار است، و این برخلاف امانتی که است که به آنان سپرده شده؛ زیرا امام امانتدار است، و باید آنچه بهتر است را برای مأمومان انجام دهد.

و علما تصریح کرده اند که برای امام مکروه است آنقدر سریع نماز بگذارد که مأمومان یا برخی از آنان نتوانند آنچه سنت است را انجام دهند، چه رسد به سرعتی که مانع شود آنان یا برخی از آنان آنچه واجب است از جمله طمأنینه و متابعت را انجام دهند؟!

همینطور برخی از امامان نماز تراویح را به همان روش و تر که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گاهی انجام می دادند ادا می کنند، یعنی پنج رکعت و تر را پشت سر هم ادا می کند، و تنها در رکعت آخر می نشیند، یا هفت رکعت ادا می کند که تنها در رکعت آخر می نشیند، یا نه رکعت که در رکعت هشتم می نشیند، و تشهد را می خواهد، و سپس برای رکعت نهم برمی خیزد، برخی از امامان چنین کاری را انجام می دهند، اما من نمی

دانم که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وارد شده باشد که وقتی برای مردم امامت کرده اند این کار را کرده باشند، بلکه این را در خانه شان انجام می دادند. و این کار - اگر چه در سنت اصل و اساسی دارد - که انسان پنج یا هفت رکعت بخواند و [برای تشهد] ننشیند مگر در رکعت آخر، یا نه رکعت بخواند و در رکعت هشتم بنشیند، و تشهد بخواند، و سپس سلام ندهد، و برخیزد، و رکعت نهم را بخواند، و سپس تشهد بخواند و سلام دهد، اما اینکه انسان به این صورت در رمضان [برای مردم] نماز بخواند باعث گیج شدن مردم می شود، و شخص در حالی وارد نماز می شود که نیت دو رکعت بدون وتر دارد.

از سوی دیگر برخی از مردم شاید بعد از خواندن دو رکعت یا چهار رکعت نیاز داشته باشند که پس از سلام امام بیرون بروند.

و برخی از مردم مشکل ادرار دارند و سخت است که پنج رکعت یا هفت رکعت یا نه رکعت پی در پی پشت سر امام بخوانند.

و اگر امام می خواهد با این کار سنت را برای مردم تبیین نماید، به او می گوئیم این سنت را با گفتن و بیان به مردم توضیح بده، و بگو: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وتر را در پنج یا هفت رکعت ادا می کردند و در آن [برای تشهد] نمی نشستند، مگر در رکعت آخر و در نه رکعت ادا می کردند، و در رکعت هشتم [به تشهد] می نشستند، و سپس سلام نمی گفتند، و رکعت نهم را به جا می آوردند، و تشهد می گفتند، و سلام می گفتند، و این کار را برای جماعتی که این مسئله را نمی دانند انجام نده، یا شاید برخی بپایند که بخشی از نماز را از دست داده اند، و این برای آنان باعث اشکال [و سردرگمی] می شود، یا برای آنان دشوار می شود.

و من تا الان نمی دانم [و نیافته ام] که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با یارانشان وتر را [در جماعت] به این شکل ادا کرده باشند، بلکه این را در خانه شان ادا می کردند.

اما اشتباهاتی که از غیر امامان و از سوی کسانی که نماز قیام را ادا می کنند سر می زند این است که بعضی از مردم تراویح را قطع می کنند [و کامل نمی کنند]، و یک سلام یا دو سلام را در یک مسجد می خوانند و در مسجدی دیگر به همین شکل، و این باعث می شود وقت خود را از دست بدهند و اجر بزرگی را که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به آن اشاره کرده از دست بدهند: «آنکه همراه امام نماز بگذارد تا آنکه [امام از نماز] منصرف شود [و نمازش به پایان برسد] برایش قیام یک شب [کامل] نوشته می شود»، و این محرومیت بزرگی است.

همینطور می بینی که برخی از مأمومان در پیروی از امام دچار اشتباه می شوند، و از امام جلو می زنند،

حال آنکه از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت است که فرمودند:

«آیا کسی که سر خود را پیش از امام بلند می کند از این نمی ترسد که الله سر او را به سر الاغ تبدیل کند یا چهره اش را، چهره الاغ بگرداند؟!».

*

سوال (۶۴): آیا برای کسی که نماز تراویح می خواند لازم است که بر آن محافظت نماید؟

پاسخ (۶۴): لازم نیست که بر آن محافظت نماید؛ اگر انجامش دهد پاداش دارد، و اگر ترکش کند بازخواست نمی شود، اما چنانکه قبلاً گفتیم خیر بسیاری را از دست خواهد داد، برای انسان شایسته نیست که اگر عزم نمود که کار خیری را انجام دهد، یا این کار از عادت او بود، آن را ترک نماید؛ به دلیل سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خطاب به عبدالله بن عمرو که فرمودند: «مانند فلانی نباشد، که شب را به نماز می ایستاد، و سپس قیام شب را ترک کرد».

*

سوال (۶۵): برخی از امامان در نماز به شدت گریه می کنند، و با صدای بلند می گریند، و برخی این کارشان را انکار می کنند. حکم این کار چیست؟ و حکم انکارش چیست؟

پاسخ (۶۵): آنچه بدون تکلف باشد و گریه آرام باشد نه با صدای بلند، این اشکالی ندارد، زیرا این نشانگر نرمش دل آن شخص، و کمال خشوع، و حضور قلب اوست، اما برای کسی که تکلف می کند می ترسم که شاید این از روی ریایی باشد که انجام دهنده مورد بازخواست قرار خواهد گرفت و پاداشی ندارد. همینطور برخی را می بینی که در قنوت وتر دعاهایی طولانی با روش های عجیب و غریب انجام می دهند که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نقل نشده، و باعث مشقت نمازگزاران یا برخی از آنان می شود، و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دعاهای جامع (کوتاه اما پرمعنا) را برمی گزید، و غیر آن را رها می کرد. بنابراین، آنچه برادران امام خود را به آن توصیه می کنم این است که قنوت را به این روش که بر مردم دشوار است طولانی نکنند، و دعاهای عجیب و غریب و دارای سجع را در قنوت نیاورند، و بهترین سخن آن است که کم باشد و پرمعنا، و اینکه انسان کاری را به وجه مشروعش انجام دهد که باعث خستگی مردم

نشود بهتر از آن است که به شکلی انجامش دهد که باعث خستگی مردم، و سنگین شدن عبادت بر آنان شود.

*

سوال (۶۶): حکم برداشتن مُصَحَف (قرآن) در نماز شب چیست؟ در صورتی که امام نیاز به کسی نداشته باشد که اشتباهاتش در قرائت را به او یادآور شود؟

پاسخ (۶۶): آنچه ما بر آن هستیم این است که مأموم قرآن را در نماز بر ندارد مگر در صورت ضرورت، مانند آنکه امام به کسی بگوید که من حفظم قوی نیست و می خواهم پشت سرم قرآن به دست داشته باشی، که اگر اشتباه کردم به من یادآور شوی. اما در غیر این، شایسته نیست؛ زیرا این باعث مشغول شدن ذهن می شود، و این کاری است که نیازی به آن نیست، و باعث فوت سنت یعنی گذاشتن دست راست بر دست چپ بر روی سینه می شود، پس اولی آن است که انسان این کار را انجام ندهد مگر در صورت نیاز، چنانکه بیان کردم.

*

سوال (۶۷): بسیاری از مردم گمان می کنند که شب بیست و هفتم همان شب قدر است، و آن را با نماز و عبادت زنده می دارند، و دیگر شب های رمضان را زنده نمی دارند. آیا این کار درست است؟

پاسخ (۶۷): این کار درست نیست؛ زیرا شب قدر جابجا می شود، و ممکن است شب بیست و هفتم باشد، و امکان دارد در شب دیگری باشد؛ چنانکه احادیث بسیاری دال بر این است، زیرا از پیامبر - صلی الله علیه

وسلم - ثابت است که یک سال شب قدر به او نشان داده شد، پس آن شب بیست و یکم بود، و از ایشان ثابت است که فرمود: «آن را در دهه پایانی رمضان بجوید، شب قدر در نه شب باقی مانده (یعنی شب بیست و یکم)، و در هفت شب باقی مانده (یعنی شب بیست سوم)، و در پنج شب باقی مانده (یعنی بیست و پنجم) است». از سوی دیگر شایسته نیست که انسان قیام را تنها برای شبی قرار دهد که امیدوار است شب قدر در آن باشد، بلکه باید در همه دهه پایانی تلاش کند، زیرا این راه و روش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بود که هرگاه دهه [پایانی] فرا می رسید ازارش را محکم می بست، و خانواده اش را بیدار می کرد، و شب را [به قیام] زنده نگه می داشت. علیه الصلاة والسلام. پس شایسته مؤمن جدی آن است که در همه این شب های دهگانه تلاش کند تا این اجر را از دست ندهد.

*

سوال (۶۸): منظور از اعتکاف چیست؟ و حکم آن چیست؟

پاسخ (۶۸): اعتکاف یعنی ماندن فرد در مسجد به هدف طاعت الله تعالی؛ اینکه انسان از مردم کناره گیرد و مشغول طاعت الله شود و خود را برای آن فارغ سازد. و این در هر مسجدی درست است؛ چه مسجدی که مردم در آن جمعه می خوانند، یا مسجد که در آن جمعه نمی خوانند، اما بهتر آن است که در مسجدی باشد که در آن جمعه برگزار می شود؛ تا مجبور نشود که برای نماز جمعه از آن مسجد خارج شود.

*

سوال (۶۹): آیا اعتکاف بر چند نوع است؟

پاسخ (۶۹): اعتکاف تنها یک نوع است و آن - چنانکه گفتیم - یعنی ماندن فرد در مسجد برای طاعت الله عزوجل، اما گاه ممکن است همراه با روزه باشد و گاه بدون روزه، علما در این باره اختلاف کرده اند که آیا اعتکاف بدون روزه درست است یا درست نیست؟ اما اعتکاف مشروع آن است که در شبهای دهه پایانی رمضان است؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در این دهه اعتکاف می کردند؛ به امید آنکه شب قدر را به دست آورند، و در دیگر روزهای سال اعتکاف نمی کردند، به جز یک سال که در رمضان اعتکاف نکردند، و آن را در شوال قضا کردند.

*

سوال (۷۰): آیا اعتکاف تنها مخصوص رمضان است، یا در دیگر ماه ها نیز مشروع است؟

پاسخ (۷۰): مشروع آن است که تنها در رمضان باشد؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در غیر رمضان اعتکاف نکردند، جز یک بار که در شوال انجامش دادند، زیرا اعتکاف یک سال در رمضان را ترک کردند، پس [به جای آن] در شوال اعتکاف نمودند. اما اگر انسان در غیر رمضان اعتکاف کند این جایز است؛ زیرا عمر - رضی الله عنه - از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پرسید که: من نذر کردم که شبی یا روزی در مسجد الحرام اعتکاف کنم. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «**به نذرت وفا کن**»، اما انسان به اعتکاف در غیر رمضان امر نمی شود و از او چنین چیزی خواسته نمی شود.

*

پایان کتاب. ستایش مخصوص الله است که با نعمتش نیکی ها به کمال
می رسد، و درود و سلام و برکات او بر بنده اش، پیامبر ما محمد، و بر
آل و اصحاب و کسانی که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی نمایند.

محتویات

- ۱.....روزه مجوعه سوالاتی در احکام آن
- ۳.....پیش در آمد.....